

میزگرد: بورس کالا و تنظیم بازار

آنچه می خوانید متن مکتوب میزگردی است که با عنوان «بورس کالا و تنظیم بازار» با حضور آقایان داوود چراغی (مدیر پژوهش های بازرگانی داخلی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)، دکتر زنگب آبادی (نماینده سازمان کارگزاران معاملات بورس)، عباس یعقوبی (نماینده سازمان کارگزاران بورس فلزات) و ترابی (معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران)، در محل موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی برگزار شده است.



■ چراغی: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی با رسالت پشتیبانی و حمایت اندیشه‌ای و آرایه پاسخ مناسب برای مسایل و مشکلات پیش روی بخش بازرگانی با تأکید بر وزارت بازرگانی شکل گرفته است. موسسه در محورهای پژوهش، آموزش، اطلاع رسانی و مشاوره اقدام به فعالیت می‌کند و نتایج و تحقیقات و مطالعه‌اش را آرایه می‌نماید. موضوع مورد بحث در این همایش نیم‌روزه یا میزگرد نیم‌روزه، بورس کالا و تنظیم بازار می‌باشد.

همان گونه که اکثر عزیزان استحضار دارند یکی از مشکلات اساسی و ساختاری اقتصاد ایران، ضعف نظام توزیع کالا و خدمات می‌باشد بدین صورت که عموماً می‌شود گفت بخش اعظم انتقال کالاها از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان در یک پروسه زمانی نسبتاً طولانی با صرف هزینه زیاد و عدم رعایت استانداردهای مناسب نگهداری، فرآوری و توزیع جریان پیدا می‌کند که در این مراحل اکثر استانداردهای سلامت و توزیع کالا رعایت نمی‌گردد.

بر اساس تعاریف متداول از نظام توزیع کالا، انتقال کالا با صرف حداقل هزینه و زمان همراه با رعایت اصول و استانداردهای نگهداری، توزیع و سلامت کالا، یک نظام توزیع ایده آل و بهینه می‌باشد. در اکثر کشورها، دولت‌ها با اصلاح سیاست‌گذاری کلان کشور در حوزه نظام بانکی، نظام ارزی، نظام مالیاتی، نظام تجاری، همراه با تصویب قوانین و مقرراتی نظیر قوانین رقابت، قوانین حمایت از مصرف‌کنندگان سعی در ایجاد فضای مناسب برای فعالیت واحدهای اقتصادی در جهت استفاده از نظام مطلوب توزیع کالا می‌نمایند تا همراه با پیشرفت و توسعه فناوری در بخش توزیع کالا نیز از ابزارها و روش‌های نوین توزیع در جهت حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان استفاده شود. از جمله کارکردهای مطلوب یک نظام مطلوب توزیع کالا را می‌توان حمایت همزمان از تولیدکننده و مصرف‌کننده در نظر بگیریم.

عملکرد نامطلوب و ناسالم نظام توزیع کالا موجب عدم رشد بخش‌های تولیدی می‌گردد یعنی در یک نظام توزیع که مشکلات ساختاری وجود دارد و نمی‌تواند به خوبی کالا را از تولیدکننده به مصرف‌کننده جریان دهد و منابع نقدینگی و اطلاعات را برعکس از مصرف‌کننده به تولیدکننده انتقال دهد، در این نظام نه تولیدکننده می‌تواند خودش را نشان بدهد و نه از مصرف‌کننده حمایت صورت می‌گیرد، بلکه نسبت به مصرف‌کننده اجحاف‌های مختلف صورت می‌گیرد.

موضوع بحث ما با توجه به این که یکی از ابزارها و روش‌هایی که می‌شود گفت در ایران نوین است اما در دنیا سابقه طولانی دارد، بورس کالا در جهت اصلاح نظام توزیع است. از سال‌های گذشته شاید اواخر قرن ۱۹ و طی قرن گذشته بورس‌های کالایی در اکثر کشورها سعی در اصلاح نظام توزیع کالا در جهت منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داشته است. این موضوع در چند سال اخیر در دستور کار دولت ما هم قرار گرفت و زیرساخت‌های مورد نیاز نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای ایجاد بورس‌های کالایی تشکیل شد و قوانین و مقررات آن تصویب شد و ابتدا در تهران بورس فلزات و سپس بورس کالاهای کشاورزی شروع به فعالیت کرد و در بعضی دیگر از شهرها اقدام به مطالعاتی برای راه‌اندازی بورس‌های کالاهای مختلف نظیر زعفران یا پسته هم صورت گرفته است که عملاً هنوز این بورس‌ها راه‌اندازی نشده‌اند.

علی‌رغم فعالیت چند سال اخیر بورس کالا، بخصوص بورس فلزات، (چون ما در بورس فلزات شاید تنها کشوری هستیم که فولاد در آن عرضه و داد و ستد می‌شود). بورسی که با یک تجربه تازه در دنیا شکل گرفت و بخشی از عرضه و تقاضای فولاد در این بورس شکل گرفت. با توجه به کارکردهایی که برای بورس کالا هست، صحبت‌های زیادی وجود دارد. وزارت بازرگانی از یک طرف از عملکرد بورس‌ها راضی نیست یا این که بورس‌ها در شفاف نمودن بازار و آرایه قیمت مناسب، کارکرد مناسب نداشتند.

در این میزگرد از مسوولان وزارت بازرگانی از یک طرف و بورس‌هایی کالایی از طرف دیگر دعوت شده‌است. آقای محمد برزنده سابقه طولانی در زمینه بورس کالا به خصوص بورس کالای کشاورزی و هم‌چنین بورس اوراق بهادار دارند. ابتدا ایشان صحبت‌های‌شان را آرایه می‌دهند که بیش‌تر چکیده‌ای از نقش جایگاه بورس‌های کالایی در اصلاح ساختار بازار داخلی و مبادلات تجاری کشور است. متأسفانه هنوز نماینده بورس کالای کشاورزی آقای دکتر چیذری تشریف نیاوردند. اما از بورس فلزات تهران آقای عباس یعقوبی و دکتر زنگی‌آبادی تشریف آوردند که دعوت می‌کنم از آقای برزنده، آقای یعقوبی و آقای دکتر زنگی‌آبادی تشریف بیاورند.

آقای برزنده: من تشکر می‌کنم به خاطر فرصتی که به من داده شد از موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی به خاطر این که به من افتخار دادند و فرصت دادند تا در پروژه نقش جایگاه بورس کالایی در اصلاح ساختار بازرگانی داخلی و مبادلات تجاری بتوانم با همکاری مجموعه‌ای از دوستان تحقیقی را انجام دهم.

مطالبی که این جا ارائه می‌شود در واقع این طور تقسیم بندی می‌شود: مقداری در ارتباط با نتایج تحقیق و سپس در ارتباط با راه‌اندازی بورس‌های کالاهای کشاورزی. جذابیت بحث امروز بیش‌تر در بحث‌های اجرایی و مسایلی است که چون بعد از عملیات راه‌اندازی صحبت می‌کنیم در شرایط فعلی بورس را می‌شود به خوبی مورد ارزیابی قرار داد.

همان طور که عرض کردم چون مباحث ابتدایی را در ارتباط با خلاصه طرحی که انجام دادم عرض خواهیم کرد به صورت اسلاید تنظیم کردم که بتوانم از وقتم حداکثر استفاده را داشته باشم. همان طور که ملاحظه می‌فرمایید بعد از انقلاب در واقع سیاست‌های دولت طوری بود که با خرید تضمینی با آرایه سوبسیدها (یارانه‌ها) و در واقع با سهمیه بندی نظام توزیع و سیاست‌هایی از این دست همواره سعی می‌کرد بازار را تحت کنترل خودش در بیاورد. منتهی این جا یک سوال مطرح می‌شود آیا می‌شود در بلندمدت تنظیم بازار را با توجه به این سیاست‌ها دنبال کرد. قطعاً این امکان پذیر نیست به خاطر همین کارشناسان و صاحب‌نظران در خلال ۱۵-۱۰ سال گذشته در واقع آمدند بحث کردند و به این نتیجه رسیدند که یکی از راهکارهای مناسب و یک گزینه مناسب یا یک راهکار برون رفت از این نظام و این نحوه سیاست‌گذاری این است که از ابزارهای مناسب استفاده کنیم.

یکی از ابزارهای مناسب قطعاً استفاده از سازوکار بورس کالا بود. همان طور که در واقع ملاحظه می‌فرمایید در اسلاید بعدی من می‌خواهم سعی کنم جایگاه بورس کالا را در نظام اقتصادی تشریح کنم تا به اهمیت بحث بورس کالا پی ببریم. نظام اقتصادی هر کشور فارغ از این که سوسیالیسم هست، نظامش سرمایه‌داری یا اسلامی است به یک بخش حقیقی و بخش

مالی تقسیم می شود که بخش مالی عمدتاً وظیفه اش را نهادهای مالی برعهده دارند. نهادهای مالی از لحاظ تعاریف مختلفی که صاحب نظران ارائه می دهند از لحاظ سرسید ماهیت دین، از نظر مرحله انتشار یا از لحاظ ساختار سازمانی می توانند تعاریف مختلفی داشته باشند.

شما معمولاً با لفظ بازار سرمایه، بازار پول، آشنا هستید که این تعریف از لحاظ سرسید هست، از لحاظ ماهیت دین و همین طور الی آخر. نهادهای مالی را این جابقیه بندی کردیم. نهادهای مالی، نهادهای بانکی، نهادهای غیربانکی، نهادهای مالی قراردادی و سایر موسسات و نهادهای مالی اوراق بهادار کالا.

ملاحظه می فرمایید در ستون آخر که بورس ها قرار دارند جزء سایر موسسات هستند که چون نه قراردادی هستند نه بانکی، نه غیربانکی. منتها به خاطر این که حوزه اثر گذاری شان در بازار سرمایه است و می توانند در تامین مالی نیازهای اقتصادی نقش موثری را ایفا کنند، دارای اهمیت هستند. پس ما از نظام اقتصادی رسیدیم به این جا که بفهمیم بورس کالا دارای چه نقشی و چه وظیفه و جایگاهی است. بورس ها در نهادهای مالی به خاطر بحث تامین مالی نیازهای سرمایه گذاری نقش مهمی را ایفا می کنند و در واقع در دنیا وجود دارد. معمولاً بورس اوراق، بورس ارز و بورس کالا هست که از این میان بورس کالا به بورس انرژی، فلزات و کانی ها، کشاورزی و آشامیدنی تقسیم می شود. قبل از این که من از بحث بگذرم این بورس ارزی که این جا اشاره شد همان فار کسی است که جدیداً در ایران هم به سرعت در حال رواج است. اخیراً هم تکسویانک کانادا یک بانک دست چهارم، پنجمی آمده و در ایران این بازار را ساماندهی می کند و هنوز هم بانک مرکزی به هیچ بانک، صرافی و موسسه مالی اجازه نمی دهد که در بحث فارکس (FOREX) وارد شوند. بورس اوراق بهادار هم جایگاهش مشخص است و بورس کالا که عرض کردم شامل این تقسیم بندی هاست.

در دنیا در بورس کالا، مهم ترین نقش معمولاً به کشاورزی داده می شود حالا در ادامه توضیح خواهم داد. معمولاً آشامیدنی ها و کشاورزی را با هم تلفیق می کنند. آشامیدنی مثلاً قهوه، چای در بورس آشامیدنی ها می گنجد. بورس کشاورزی شامل مواد خام، روغن خام، گندم، جو، ذرت، گوشت می باشد.

فلزات کانی ها که کاملاً مشخص است اشاره شد. نفت و الکترونیسته و زغال سنگ در بورس انرژی می آید. من اجازه می خواهم که در ادامه از تعریف بورس کالا شروع کنم تا بتوانم به بحث اصلی برسم.

بورس کالا

بازار خرید و فروش دائمی و منظمی است که در آن بیش تر کالاها تحت یک ساز و کار مشخص مورد دادوستد قرار می گیرند. در این بورس ها بیش تر مواد خام مورد مطالعه قرار می گیرد و بورس ها عموماً ۳ مشخصه اصلی دارند. کالاها در بورس موجود نیستند بلکه فقط نمونه ای از آن وجود دارد. به عنوان مثال اگر یک مرغداری ۵ هزار تن یا مثلاً شرکت بهنوش برای تولید ماه الشعیر، ۱۰ هزار تن جو خرید می کند این ۱۰ هزار تن جو اصلاً در بورس وجود ندارد بورس تحت عنوان یک فرمول خاص، ساز و کار خاص و اشل بندی خاص این کالا را با نمونه ای که دارد در اختیار خریداران و فروشندگان قرار می دهد و براساس آن نمودارها و استانداردهایی که وجود

دارد این معامله صورت می گیرد و مورد دوم را هم در بحثم اشاره کردم. کالاهای بورسی قابلیت تولید مجدد دارند. به عنوان مثال ما به بورس تمبر یا مثلاً بورسی که در کشورهای خارجی معمولاً بر گزار می شود، تابلوهای نفیس، مسأله عتیقه که به فروش محدود از لحاظ علمی به آن بورس گفته نمی شود. جو قابلیت تولید مجدد، دارد یا سایر محصولات و مواد خام کشاورزی که قابلیت تولید مجدد را دارد معمولاً در تعریف بورس می آید. در بررسی کالا به جز خرید و فروش نقدی از ابزارهای مشتقه ۲ فیوچر آپشن ۳ هم استفاده می شود.

کشورهای پیشرفته بیش تر متمایل هستند به استفاده از این ابزارها و کشورهای کم تر توسعه یافته بیش تر متمایل هستند به معاملات نقدی کالا. منتها بد نیست در این جا این اشاره را داشته باشیم که کلاً چرا ما به بورس کالا آن قدر اهمیت می دهیم و چرا آن قدر برایش وقت می گذاریم، سرمایه گذاری می کنیم، نیرو می گذاریم. این در واقع تنها علتش این است که گزارش آنکتاد آن را تایید کرده است. من از گزارش آنکتاد و مجموعه تحقیقاتی که قبلاً انجام شده این را استخراج کردم. یک هدف بسیار عمده وجود دارد و آن کمک به تنظیم بازار است. در گزارشات مستند آنکتاد هم این اشاره شده است.

قسمت بعدی توسعه بخش مالی است. برای کشورهای کمتر توسعه یافته می گویند هدف از تشکیل بورس بیش تر کمک به تنظیم بازار است. برای کشورهای توسعه یافته و پیشرفته می گویند بیش تر به توسعه بخش مالی کمک می کند که محصولات زراعی و باغی را در واقع تحت پوشش دارند.

در ادامه آوردم این جا بورس ها شامل گندم، جو، پنبه، ذرت، برنج و دانه های روغنی است. صفحه دوم اشاره به یک نکته مرکبات مثلاً اینجا فقط آورده بورس قراردادهای تجاری والنسیا و اسپانیا. مرکبات اصلاً جزء ۱۲ بورس عمده جهان نیست و تنها یک بورس در این قضیه دارد کار می کند آن هم بورس اسپانیا و والنسیا است. این در واقع به این معناست که ما فرمول خاصی، چارچوب یا خط کش خاصی برای راه اندازی بورس نداریم. هر کشوری می تواند با توجه به نیاز خودش با توجه به امکانات خودش و تعریف خودش آن را بومی سازی نمایند و با توجه به آنچه می خواهد انجام دهد می تواند تعریف خاصی برای بعضی از بورس ها داشته باشد. به عنوان مثال ما می توانیم به راحتی در بورس زعفران، پسته، خرما شرکت کنیم و روی محصولاتی که در آن دارای مزیت هستیم سرمایه گذاری کنیم. به جای این که بیاییم کل محصول را تحت پوشش قرار بدهیم می توانیم با یک ساختار منسجم و با یک رویکرد بین المللی که بتواند تجارت بین المللی هم سان دستمان بدهد این کار را انجام دهیم. به عنوان مثال برای سیب زمینی دو سه تا بورس در دنیا بیش تر نداریم آن هم به خاطر این است که آن کشور در بحث تولید سیب زمینی بسیار حرفه ای عمل می کند.

در ادامه ما به ابزارهای داد و ستد پذیر بورس کالا اشاره می کنیم. استحضار دارید که قراردادهای آتی قراردادهای اختیار معامله که شامل اختیار خرید و اختیار فروش است در واقع این جا اشاره شده است. قرارداد آتی می خواهد بگوید که ما در تاریخ معین و طبق یک شرایط مشخص و با یک قیمت مشخص ملزم و مکلف هستیم طبق آن قرارداد به عنوان خریدار یا کالا را تحویل بگیریم و به عنوان فروشندگان طبق شرایط خاصی یا کالا را تحویل بدهیم؛ چون تضمین پشت این قرارداد هست.

تقریباً تمام کسانی که وارد این بازار می شوند متعهد می شوند به تعهدشان در سررسید عمل نکنند. به خاطر همین سلامت معاملات افزایش و ریسک معاملات به شدت در بورس کالا کاهش پیدا می کند قرارداد اختیار معامله شاید بد نباشد. من این مثال را اگر آقای چراغی اجازه بدهند عرض بکنم. چون معمولاً در بحث آپشن ها این سوال وجود دارد که آپشن چیست؟ تعریفش چیست؟ چه استفاده ای می شود و کاربردش چیست؟ من این مثال را به خاطر این که در کلیه کلاس های آموزش چه آن طرف آب و چه این طرف آب این مثال را می زنند، عیناً نقل قول می کنم و به رسم امانت آن را خدمتتان ارایه می دهم. چون فصل زمستان است سرما هم هست، شیکاگو هم جای بارانی است من این را خدمتتان به عنوان یک مثال داشته باشم.

شما فرض بفرمایید که در خیابان شیکاگو در حال راه رفتن هستید. هوا بارانی است. این مثالی است که در کتاب های آموزشی می آید دارید قدم می زنید و فصل سرما و بارندگی هم شروع شده است. احتیاج به یک کت چرمی دارید. امروز ۲۷ برج است و شما سی ام حقوق می گیرید و به محض این که از کنار خیابان ها و مغازه ها رد می شوید می بینید انواع قیمت ها و در واقع لباس هایی که آن جا آویزان شده مثلاً قیمت یک کت چرمی را زده اند ۱۰۰ دلار. منتهی امروز ۲۷ است و شما سی ام حقوق می گیرید و توانایی خرید این را دارید و از این می ترسید که این قیمت سی ام به خاطر تقاضایی که ممکن است احتمالاً برایش به وجود آید افزایش پیدا کند. می روید معامله خود را پوشش می دهید می روید و با ۵ دلار به آن آقای فروشنده می گوئید که آقای فروشنده من سی ام این را خواهم خرید. این پنج دلار یاده دلار بیعانه خدمت شما. این کت چرمی را برای من رزرو کنید. من سی ام الباقی پول شما را خواهم داد. عنایت بفرمایید شما به راه رفتنتان ادامه می دهید و مغازه بعدی می بینید همان کت ۱۰۰ دلاری ۹۰ دلار دارد می فروشد و احساس می کنید که سرتان کلاه رفته است نمی توانید برگردید چون در بحث فیوچر آپشن شما این معامله را انجام دادید و قبض را گرفتید و مکلف هستید در تاریخ سی ام این معامله را کامل کنید. احساس می کنید سرتان کلاه رفته است. دوباره مغازه بعدی یک بیعانه ۵ دلاری، ۱۰ دلاری پرداخت می کنید به قصد این که در تاریخ سی ام این کت چرمی برای شما رزرو شود. دوباره به راه خود ادامه می دهید. در روز سی ام چه اتفاقی می افتد. در روز ۳۰ وقتی شما مغازه اول مراجعه می کنید اگر ۱۰۰ دلار باشد شما خرید را انجام می دهید ولی فرض کنید که تمام تولیدکنندگان یک دفعه تشخیص دادند که کت چرمی در بازار نیاز هست همه تولید کردند و وارد بازار کردند. کت چرمی به ۹۵ دلار کاهش پیدا کرده است. شما یک ضرر ۵ دلاری اینجا متقبل می شوید. یعنی یک آپشن خریداری، یک اختیار خرید که ۵ دلار روی آن متضرر شدید. برعکس آن هم امکان دارد. ممکن است تشخیص، پیش بینی ها، اشتباه باشد این کت چرمی به ۱۱۰ دلار افزایش پیدا کند ولی شما روز ۳۰ چون ۱۰ دلار بیعانه دادید روز سی ام ۹۰ دلار می دهید و در مجموع ۱۰۰ دلار می دهید به کتی که روز سی ام ۱۱۰ دلار می ارزد. یعنی ۱۰ دلار روی آپشن شما، روی اختیار خریدتان سود کردید.

در واقع تعریف آپشن به همین سادگی است. خرید، فروش و بالعکس. در ادامه من به گزارش بورس های کالا در کشورهای جهان براساس گزارش آنکتابد یک اشاره ای خواهم کرد. منتهی براساس این که اطلاعات

از اینترنت یک مقدار دارای تاخیر است من را خواهید بخشید. در سال ۲۰۰۰ میلادی نزدیک به دو میلیارد قرارداد از نوع آپشن و فیوچر صرفاً آپشن و فیوچر در بورس های کالایی سراسر جهان معامله شده است که نسبت به سال ۱۹۹۹ و سال قبل از آن ۱۶ درصد افزایش داشته است.

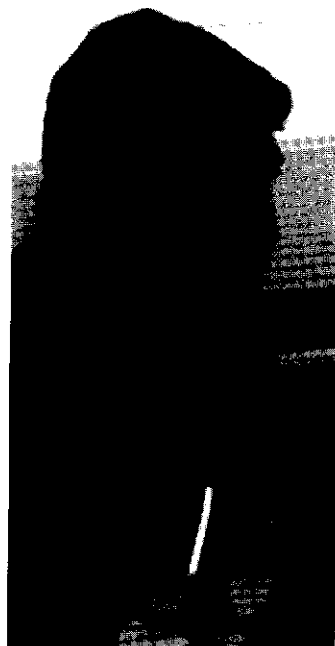
اسلاید بعدی: من این جا یک تصویر از (Board of Trade Chicago) (CBOT) (هیات تجاری شیکاگو) بزرگ ترین بورس دنیا که در آن کالا معامله می شود آوردم. حالا دکتر زنگی آبادی توضیح خواهند داد من سعی می کنم در حوزه ایشان وارد نشوم. این قسمت اول یک رینگ معاملاتی است که در آن میز را میز ناظر می گویند. هر کدام آن ها یک رینگ است یک رینگ معاملاتی، که در هر کدام آن ها یک کالای خاص معامله می شود. به عنوان مثال آن جا ذرت، آن یکی گندم؛ در واقع نمونه ای از بورس های کالایی پیشرفته است که در دنیا هر رینگ یک کالایی و هر رینگ یک ناظر معاملاتی خواهد داشت که به عنوان تجربه بد نبود این را خدمتتان داشته باشم.

این جا هم در واقع نمونه تعداد قراردادهایی است که از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ مورد معامله قرار گرفته است. نمودار ستون آبی فقط آمریکا است و ستون قرمز سایر کشورهاست. ملاحظه فرمایید یک میلیون و چهارصد و پنجاه قرارداد هست. ملاحظه فرمایید که چه حجم عظیمی از قراردادها را کشورهای پیشرفته به خودشان اختصاص داده اند. علی الخصوص آمریکا.

مشکلات بازار در بخش کشاورزی را من یک اشاره کوتاه داشته باشم.

معمولاً مشکلات بخش

کشاورزی درست است که می گویند تولید، سرمایه گذاری و شاید به جرأت می شود گفت که ۵۰ درصد مشکلات بخش کشاورزی به حوزه بازار بر می گردد و به حوزه تنظیم بازار و بحث بازرگانی محصولات کشاورزی که با توجه به آنچه قبلاً در این زمینه ارایه شد از بحث در این ارتباط صرف نظر می کنم. بعد از آن خیلی تمایل دارم که در واقع به مزایای ایجاد بورس محصولات کشاورزی یا کلاً بورس کالا در کشور اشاره کنم. این ها رؤوس مطالبی است که از تحقیق گرفتیم. ما شفافیت قیمت را داریم. انتقال ریسک بر معاملات، سیاست معاملات، توسعه بازارهای مالی، عملیات بازاریابی، کاهش آسیب حاشیه بازاریابی، تغییر الگوی کشت یا تولید و توسعه صادرات غیر نفتی، شفافیت قیمت، مهم ترین بحثی است که می تواند در تنظیم بازار اثرگذار باشد و اثربخشی داشته باشد. مفهومش هم این است وقتی ما بازاری داشته باشیم گندم، جو، ذرت، برنج همه در آن معامله شود خوب قطعاً سیستم های اطلاع رسانی و مطبوعات و ارگان های مختلف نظارتی این



قیمت را معمولاً به سرعت و در دفعات مختلف پرزنت می کنند. این در تمام کشورها در ابعاد مختلف گسترش پیدا می کند و کسی که به عنوان مثال در مرودشت شیراز حالا فصل فروش جواش هست متوجه می شود که جو به عنوان مثال ۱۸۰ تومان در بورس معامله می شود ایشان نباید الان ۱۴۰ تومان به دلال بفروشد.

در واقع شفافیت معاملات کمک می کند که سلامت معاملات و تنظیم بازار با هدف اصلیش اتفاق بیفتد.

ما اهداف راه اندازی بورس کالا را به دو قسمت اهداف تقسیم کردیم. اهداف کوتاه مدت و بلندمدت.

اهداف کوتاه مدت

مهم ترین هدفش اصلاح ساختار بازار سنتی است و جلوگیری از نوسانات شدید قیمت، همین طور کاهش ریسک معاملات.

اهداف بلندمدت

سرعت انتقال اطلاعات در بازار که به صورت غیرمستقیم مجدد به اصلاح ساختار بازار و کاهش ریسک مرتبط می شود. توسعه صادرات غیرنفتی یا محصولات کشاورزی را قطعاً به دنبال خواهد داشت و بهینه شدن الگوی کشت مهم ترین مطلب است. یعنی ما همین حالا که در هزاره جدید هم هستیم نمی دانیم که در سال زراعی جدید باید چه تولید کنیم یا تکلیف دولتی پشتش هست یا این که سلیقه ای عمل می کنیم یا مدل تار عنکبوتی عمل می کنیم. ولی وقتی که سیب زمینی کار تبریزی بداند که این سیب زمینی تولیدی در بورس به عنوان مثال خریدار اماراتی می آید این را خریداری می کند قطعاً هم الگوش را تغییر می دهد و سعی می کند که سیب زمینی بهتری تولید کند. این ها همه جزء مزایای بورس است.

ما ارتباط بین بازار و بورس کالا را داریم. چون همه این ها بصورت مستقیم و غیرمستقیم به بحث تنظیم بازار کمک می کند. بورس کالا را به عنوان هسته مرکزی داریم که با موارد متعددی از عوامل بازار در ارتباط است. کانال های توزیع و شفافیت اطلاعات، تغییر الگوی کشت، توسعه صادرات غیرنفتی، حاشیه بازار این ارتباطات دقیقاً این جا نشان داده است که حوزه اثرگذاری بورس کالا در چه مواردی هست. بعد از آن ما ارتباط ارکان بورس با یکدیگر را داریم.

در این جا ملاحظه می فرمایید اگر ما میز معاملات یا تالار را به عنوان هسته اصلی اثرگذاری بورس کالا در نظر بگیریم از یک طرف به انبارها، بازارسازها، کارگزاران، اتاق پایاپای. که خودش مهم ترین نهاد بورس است. برای تضمین معاملات و کاهش ریسک معاملات مرتبط می شود و خود این کاهش ریسک معاملات در واقع به سلامت معاملات کمک می کند. سلامت معاملات به نوعی تنظیم در بازار است.

مرغدار و دامدار به زحمت خوراک دام و طیورشان را تهیه می کنند. قسمت اعظم خوراک دام و طیور، ذرت است. در شرایط فعلی ۱/۵ میلیون تن ذرت در انبارهای مختلف وجود دارد ولی به واسطه این که از افزایش قیمت جهانی اطلاع پیدا کرده اند و انتظار دارند که این قیمت به ۲۲۰ تومان برسد هیچ کس از جمله کسانی که واردات ذرت را به عهده داشتند یا جزء خریداران اصلی ذرت بودند و ذرت را انبار کردند علاقه ای به عرضه ندارند. چون تمایل دارند که به عنوان مثال تا ۲۲۰ تومان افزایش پیدا کند. ولی اگر

سازوکار بورس به شکلی که گفته شد یعنی به شکلی که در ادبیات وجود دارد اتفاق بیفتد، چنین نوساناتی در بازار به وجود نمی آید و اگر هم به وجود آمد دامنه آن بسیار اندک است و ضرر کم تری به جامعه تولیدکنندگان و مصرف کنندگان و کلاً جامعه بهره برداران آن کالا وارد می شود.

در ادامه سیاست های تنظیم بازار و بازرگانی گفته خواهد شد و ارتباط آن با بورس کالا تشریح می شود.

مهم ترین هدف از بحث بازرگانی و تنظیم بازار در ۵ مورد اصلی خلاصه می شود:

۱- برقراری موازنه بین اختلاف زمانی و مکانی.

۲- از میان بردن فاصله زمانی و مکانی موجود بین عرضه و تقاضا.

۳- پوشاندن فاصله بین خریدار و پرداخت بها و ارزش کالا.

۴- تنظیم کانال ارتباطی و توزیع فی مابین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان.

۵- تعریف نقش و جایگاه بازیگران بازار.

این وظیفه اصلی متولی بازرگانی داخلی و تنظیم بازار است. این ۵ وظیفه اصلی آن است. هر کدام از این موارد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با سازوکارهای بورس کالا و وظایف کارکردی بورس کالا مرتبط است. پوشاندن فاصله بین خرید کالا و پرداخت بهای کالا وقتی که یک نفر در بورس خرید می کند و طبق یک قرارداد مشخص با یک سررسید مشخص و با یک سازوکار مشخص در واقع از آن خرید و پرداخت بها فاصله به حداقل می رسد. یا اگر در معامله مدت دار است، طبق تعریف خاصی صورت می گیرد و پوشش داده می شود. هر کدام از این ها با مزیت های بورس و سازوکارهای اصلی بورس در ارتباط است. می توان این نتیجه را گرفت که اگر بورس کالا بتواند به خوبی انجام وظیفه کند در اقتصاد کشور در تنظیم بازار و بحث مبادلات تجاری و بازرگانی و سر و سامان دادن به این بخش بی نهایت تأثیرگذار باشد.

در ادامه به ساختار فعلی و نظام مدیریتی بورس ها در ایران اشاره می شود.

چیزی که در ارتباط با بورس ها در ایران داریم طبق این ساختار مورد اشاره قرار می گیرد:

وزارت اقتصاد و دارایی به عنوان عالی ترین نهاد برای نظارت بر بازار سرمایه است. در گذشته بازار پول و سرمایه توسط رییس کل بانک مرکزی اداره می شد که اصولاً درست نبود که می گویند تفکیک بازار پول و سرمایه. البته باید گفت تفکیک مقام های ناظر بر بازار پول و سرمایه که در دهه های اخیر مرتب مطرح بود و در نهایت منجر به این شد که بحث تولی گری بازار پول از بازار



سرمایه جدا شود.

بعد از وزارت امور اقتصادی و دارایی شورای عالی بورس وجود دارد که دو شرکت بورس را تحت رهبری خود دارد:

۱- شرکت بورس اوراق بهادار که اخیراً پذیره نویسی آن انجام شد

۲- شرکت بورس کالا

که بورس کالا و بورس فلزات به صورت تلفیقی در قالب شرکت بورس کالا اداره می شوند. ساختار قبلی سازمان بود، ساختار فعلی شرکت است و نیز این که ساختار قبلی غیرانتفاعی و غیر تجاری بود ولی این ساختار تجاری و انتفاعی است. دو ساختار شرکتی معمولاً در اکثر کشورهای جهان رو به گسترش است و معمولاً از سازمان تبدیل به شرکت می شوند.

شورای عالی بورس چیست؟ دارای چه اشخاصی هستند و ساختار فعلی آن چیست؟

در وسط نمودار وزیر اقتصاد و دارایی و سپس رییس کل بانک مرکزی وجود دارد. روسای اتاق بازرگانی، نماینده کانون ها، ۳ نفر مالی، یک خبره مالی، یک نفر خبره مالی به پیشنهاد وزیر مربوطه، رییس سازمان بورس اوراق بهادار، وزیر بازرگانی و مهم تر از همه دادستان کل کشور وجود دارد. در ساختار قبلی وزیر بازرگانی و چند تن از اعضا وجود نداشت. در ساختار جدید که تبدیل به شورای عالی شده بنا به اهمیت تنظیم بازار و نقش وزارت بازرگانی در تنظیم بازار خصوصاً در چند کالا مثل سیمان، شکر و ... که وزارت بازرگانی تأثیر گذار است نقش دارند.

وزیر بازرگانی عضو شورای عالی بورس بوده و در ساختار فعلی و در قانون فعلی به خاطر اهمیت این موضوع به برخی از پیشنهادات در ارتباط با این تحقیق و نتیجه تحقیق اشاره خواهد شد.

برای گسترش بورس کالا و اثر گذاری آن و این که در تنظیم بازار بتواند به نحو احسن اثر گذار باشد چند کار باید در کوتاه مدت انجام پذیرد و در ادامه آن در بلندمدت باید سیاست هایی اتخاذ نمود. به صورت کوتاه مدت فرهنگ سازی، اطلاع رسانی و فعالیت ترویجی به شدت مورد نیاز است. نیروهای انسانی که در این قسمت ها فعالیت می کنند خصوصاً قسمت های اجرایی که معمولاً آموزش دیده نیستند از آن چه که در بورس اتفاق می افتد بی خبر هستند. معمولاً بورس کالا را با بورس اوراق بهادار اشتباه می گیرند.

حضور موثر در بازار و تالار و تلاش در جهت انجام عملیات صحیح کارگزاری. معمولاً کارگزاری های ما از حرفه و تخصص و سلامت لازم برخوردارند و معاملات ممکن است که صورتی انجام شود و راهکار اصولی در تصویب خرید در بحث انبارداری خیلی مهم است. همین طور بورس باید بحث مدیریتی و تولی گری و بنگاه گردانیش را آرام آرام کنار بگذارد و به نمایندگی و عاملیت روی بیاورد. بحث انبارها را دارد که مهم ترین بخش آن است. در بورس کشاورزی بحث انبارداری یکی از مهم ترین بخش هاست که با آن درگیر هستیم. به صورت بلندمدت قطعاً می بایستی پوشش موضوعی داشته باشیم. خیلی از کالاهای دیگر وجود دارد که می توان وارد بورس کرد و باید در جهت انجام آن اقدام کرد. در صورتی که توجیه داشته باشد. در قدم بعدی باید پوشش جغرافیایی داشته باشیم، به خاطر این که بتوانیم تنظیم بازار داشته باشیم. پوشش جغرافیایی به این منظور است که در تمام نقاط کشور باید بورس حضور داشته باشد. سازوکارهای مختلفی وجود دارد که می تواند این حضور را تعریف کند و

برای بازیگران و لایه های مختلف بازار تعریف داشته باشد که خوشبختانه در قانون جدید وجود دارد. در قانون گذشته سفته باز وجود نداشت خوشبختانه در این ساختار تعریف شده است.

لایه های مختلف و بازار مالی تعریف شدند، کارگزار، طرح و وظایف آن مشخص شده است. در قانون جدید به نحو بسیار شایسته ای وجود دارد البته تکمیل نیست و جا برای کار وجود دارد. برای کالا، بورس کالا خیلی خلأ دارد، در قانون جدید نسبت به قانون قدیم یک گام به جلو است و می توان امیدوار بود که با همین خط کش شکسته هم اگر بتوانیم کار بکنیم، می توانیم در کوتاه مدت شاهد اثر در بحث بازرگانی و تنظیم بازار باشیم.

■ چراغی: اصل و چکیده طرح آقای برزنده در گروه مطالعات و پژوهش های بازرگانی داخلی در حال آماده سازی است. فرمی در پوشه ای که به دوستان ارایه شد جهت طرح سوال وجود دارد.

سخنران بعدی آقای عباس یعقوبی مدیر آمار و ارزیابی عملکرد و اتاق پایاپای سازمان کارگزاران بورس فلزات تهران، فارغ التحصیل دانشگاه امام حسین هستند. موضوعی که مورد بحث ایشان است بیش تر تمرکز بر عملکرد بورس فلزات در سال های اخیر بعد از تأسیس و به خصوص بررسی نقش راه اندازی این بورس در تنظیم کالاهای مورد داد و ستد به خصوص فولاد دارد. به خاطر این که دکتر چیذری تشریف نیاوردند وقت بیش تری در اختیار ایشان قرار می گیرد.

■ یعقوبی: با عرض تشکر از بزرگوارانی که در مجموعه وزارت بازرگانی این گردهمایی و بحث پژوهشی بورس کالا و تنظیم بازار را تهیه نمودند.

ابتدا با مقدمه ای از آن چه در بحث بورس کالا است شروع می کنم و در ادامه در بحث بورس های جهانی از سخنان آقای دکتر زنگی آبادی که سابقه طولانی در بحث راه اندازی بورس فلزات و همچنین در بورس LME لندن هم فعالیت داشته اند، استفاده می کنیم.

اصولاً ایجاد و فعالیت بورس ها برحسب نیاز هر کشور متفاوت است. به عنوان مثال در آمریکا بدلیل اهمیت لبنیات، بورس لبنیات تشکیل می شود. در هند به دلیل اهمیت فلزات، بورس فلزات تشکیل می شود در حالی که ممکن است این کالا برای ما اهمیت چندانی نداشته باشد. بنابراین براساس نیاز هر کشور بورس یک کالا ایجاد می شود. از آخرین آمار و اطلاعاتی که موجود است در دنیا تقریباً در حدود ۲۲۸ بورس به ثبت رسیده است که از این میزان ۱۰۵ بورس، بورس کالا و مابقی بورس اوراق بهادار فعالیت می کند. بورس فلزات از تاریخ ۸۲/۶/۲۵ بنا به تکلیفی که دولت کرده بود آغاز شد. در ابتدای فعالیت بورس، به دلیل نوبا بودن آن که اولین تجربه بورس کالایی در ایران بود طبیعتاً مشکلاتی وجود داشت. در برخی از مقررات که به مرور تکمیل شد تا این که ساختار اخیر بورس شکل گرفته است. از بخش اول که ایجاد و فعالیت بورس می باشد قبل از این که روی مطلب اصلی یعنی بورس فلزات برویم ابتدا یک سری مطالب مطرح می شود که ذهن دوستان با مجموعه بورس های کالا در دنیا آشنا شود.

آن چه مسلم است این که مشترکاتی بین همه بورس ها وجود دارد. مشترکات بورس های کالا در دنیا در این جا گفته خواهد شد.

تمام بورس های کالا در دنیا در بازار اول یعنی همان تجارتی فعالیت

می کنند. یعنی بازار اول را تحت کنترل خودشان دارند. قیمت گذاری در بازار اول انجام می شود و در زنجیره بعدی این کالاها به تبعیت از آن قیمت بازار اول خود به خود تنظیم خواهد شد. و اصولاً این بورس کالا به قیمت های خرده فروشی و عمده فروشی کاری ندارد، یعنی قیمت محصولات پایه اولیه آن جا رقم می خورد و به تبع آن قیمت زنجیره بعدی کالاها از روی این قیمت مشخص می شود. دوم این که کشف قیمت در همه بورس های جهان از طریق سیستم حراج است، سیستم حراج می تواند بصورت الکترونیکی کامل باشد یا به صورت نیمه الکترونیکی یا دستی باشد.

بورس فلزات ما به صورت نیمه الکترونیکی است و امید می رود در آینده به صورت تمام الکترونیکی درآید. یعنی از تمام نقاط کشور بتوان با سپرده هایی که نزد اتاق پایاپای بورس به عنوان یک مرجع اصلی برای کنترل معاملات است معامله کرد و هرکس به میزانی که نیاز دارد، خرید نماید.

مطلب سوم این که همه بورس ها در دنیا به نحوی تحت نظارت سازمان های نظارتی و دولتی هستند. بورس فلزات هم مستثنی از این قضیه نیست. در ایران هم بورس های کالا اعم از فلزات و کشاورزی تحت نظر شورای بورس که منتخبی از مجموعه های مختلف هستند که ساختارشان قبلاً گفته شد. یعنی مصوباتی که در شوراها تصویب می شود لازم الاجراست که تصمیمات ابلاغ می شود.

مطلب چهارم: محور فعالیت همه بورس ها در دنیا کارگزاران هستند. یعنی در هیچ بورسی دیده نمی شود خارج از سیستم کارگزاری عمل بشود. از طریق این کارگزار خرید و فروش انجام می شود. در بورس ما فعلاً کارگزار برای خود خرید نمی کند. امکانش نیست که برای خود خرید کند. برای مشتریان باید خرید بکند. در برخی بورس های دنیا مثل بورس LME و سایر بورس ها، کارگزاران برای خودشان هم می توانند خرید کنند. در اوراق

بهادار نیز به همین صورت است. بورس های کالا محل عرضه کالای پایه، اساسی و مهم در هر کشور هستند و لذا به زنجیره بعدی کالای پایه و شبکه های توزیع کاری نداریم. شبکه های توزیع ما قبل از این به صورت ساختار تقریباً سنتی اداره می شدند. الان روشی که در عرض ۴۰ ماه که از عمر فعالیت بورس فلزات می گذرد، طبیعتاً اکثریت تعاونی ها که در آمارهای بعدی اشاره می شود اکثریت بخش های مختلف از سیستم بورس خریدشان را انجام می دهند. کوتاه ترین زمان با بالاترین تضمین هایی که بورس ارایه می دهد که این یکی از مطالب مهمی است که بعد از این قضیه اشاره می شود و به راحتی از آن ساختار سنتی به ساختار تقریباً نیمه الکترونیکی و الکترونیکی تبدیل خواهد شد.

اهداف بورس های کالا

اولین مطلب ایجاد تضمین و امنیت برای معاملات در چهار زمینه

کیفیت، کمیت، مبلغ و زمان تحویل از طریق ۳ تضمین ارایه شده ای که در بورس انجام می شود. کالاهایی که در بورس پذیرش و عرضه شوند در مقطع اولیه باید دارای شرایطی باشد که توسط هیأت پذیرشی که در بورس وجود دارد، این کالا باید مطابق با شرایطی استاندارد باشد. تضمین های لازم توسط فروشنده نزد بورس گذاشته شود و شرایطی برای عرضه داشته باشد تا ما اجازه عرضه را از طریق سیستم پایاپای بورس به تالار بدهیم تا آن ها بتوانند این کار را انجام دهند. پس این امکان وجود ندارد که هر کالایی با هر شرایطی بیاید در داخل بورس عرضه شود.

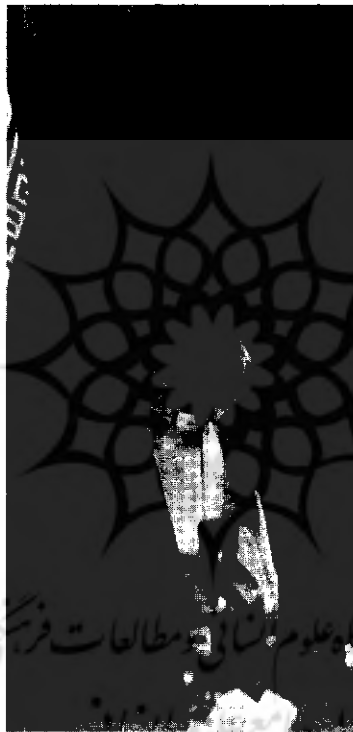
در خصوص بحث کیفیت: کالاهایی که در بورس فلزات عرضه می شود دارای استاندارد است یعنی کالایی که استاندارد نداشته باشد ما اجازه عرضه را در بورس به آن نمی دهیم. این یکی از ضوابط در بورس است.

دومین مطلب: از اهداف بورس کالا، ارایه نماگرهای صحیح و

اقتصادی به موقع از وضعیت عرضه و تقاضا از بازار اول است که می تواند نقش مؤثری برای تصمیم سازان و تصمیم گیران اقتصادی کشور داشته باشد. این نماگر اقتصادی شاخص های بسیار خوبی با بیش از ۱۰ - ۱۵ نوع شاخص در بورس فلزات ارایه می شود که اگر استفاده صحیح از این شاخص ها شود کاملاً می توانیم از اتفاقات روز، روزی که وجود دارد آگاه شویم و تصمیم مناسب را اتخاذ کنیم. نمودارهای قیمتی، قبل از این که این قضیه را بگویم ما تقریباً به عنوان یک میزان الحراره هستیم چون بورس را معمولاً اینطور تشبیه می کنند. میزان الحراره نیز باید اگر دکتری کنار مریضی هست آن مریض تب دارد تب مریض را آن میزان الحراره باید نشان بدهد.

وقتی مریضی تب داشته باشد ما میزان الحراره را دستکاری نمی کنیم ما کاری که می کنیم آن است که میزان الحراره باید آن تب را نشان دهد و ما از آن تب متوجه شویم. بورس های کالا هم به همین منوال هستند. ما باید آن روند

واقعی افزایش قیمت ها یا کاهش قیمت ها را نشان بدهیم. این که چرا قیمت افزایش پیدا کرد، چرا نکرد آن علل و عوامل خاص خودش را دارد که ما حالا در ادامه نمودارهایی که وجود دارد نشان خواهیم داد. هرگونه آمار و اطلاعات از بورس فلزات در سایت TME.IR قابل بهره برداری است. اطلاعات به صورت آزاد و به صورت روزانه و قیمت ها جهت اطلاع رسانی آن وجود دارد. یعنی کالایی که معامله می شود به محض این که تالار معاملات تمام می شود قیمت ها بر روی سایت های مختلف و بر روی خود سایت TME مستقر می شود و آن جا دوستان می توانند استفاده کنند. کشف قیمت کالاهای اصلی و پایه براساس تقابل عرضه و تقاضا یکی دیگر از اهدافشان است. ایجاد بازار مشتق و انجام معاملات آتی و اختیار است که ما در برنامه های آتی داریم در سه مرحله با استفاده از قراردادهای صلح، بحث قراردادهای آتی و اختیار را راه اندازی خواهیم کرد اگر که مشکلی پیش نیاید و مصوبات شورای محترم بورس در خصوص بحث



راه اندازی تصویب شود در کوتاه ترین زمان، قراردادهای آتی و سلف مجدد با استفاده از قراردادهای صلح اجرایی خواهد شد.

توسعه بازار سرمایه یکی دیگر از اهداف بورس های کالا است. فراهم نمودن شرایط لازم جهت قیمت گذاری زنجیره که گفته شد، حذف شکاف بین قیمت های دستوری چون اقتصاد ما یک اقتصاد دستوری بوده و در سال های گذشته معمولاً حذف شکاف بین قیمت های اقتصادی را توسط بورس های کالا در برخی از کشورها انجام می شود برای نمونه بورس ترکیه در یک مقطعی این کار را انجام داد که ما در بورس خودمان در مقطع اولیه زمانی که بورس کالا را راه انداختیم تا رسیدن به نقطه تعادل این کار را انجام دادیم که این دولت ها از این قضیه استفاده می کنند که آن شکاف بین قیمت های دستوری و قیمت آزاد که چون قیمت را ما به ظاهر نگاه داشتیم این پوشش داده شود و قیمت واقعی مشخص شود. فراهم نمودن زمینه مناسب برای ایجاد تعادل در بازار و مطلب آخر سازگار نمودن اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی از طریق مکانیسم صحیح و کارآمد تعیین قیمت هاست.

اگر ما بخواهیم به WTO بپیوندیم طبیعتاً باید بیش تر از بورس های کالا استفاده کنیم. نمی توانیم با ساختار اقتصادی دستوری بگویم می خواهیم به WTO بپیوندیم یعنی این شرایط باید توسط بورس های کالا فراهم شود تا ما بتوانیم به اقتصاد جهانی نزدیک تر شویم. اما نکته ای که وجود دارد بعضاً شبهاتی وجود دارد که انتظاراتی از بورس کالا است در حالی که به بورس کالا بر نمی گردد. در مقطع اولیه دوستانی که معمولاً درگیر قضیه هستند از بورس انتظار دارند چون من مطالبش را این جا دسته بندی کردم تاکنون قبل از این قانون جدید بورس فلزات یک سازمان غیرانتفاعی، غیر تجاری و غیردولتی بود و نقش امین و بی طرف بازی می کرده است. در معاملاتی که وجود داشته و انتفاع مستقیمی برای خودش وجود نداشته است این اولین بحثی است که اگر کالایی معامله شود نفعی از انتفاع مستقیمی به بورس روی این قضیه حاصل نشده است.

دومین مطلب: این که بورس کالا مسؤل تنظیم بازار نیست بلکه حسب تکلیفی که آقای چراغی فرمودند وزارت بازرگانی متولی تنظیم بازار است که ما همیشه کنار وزارت بازرگانی بودیم و در ادامه هم خواهیم بود. سومین مطلب: هیچ کدام از واحدهای عرضه کننده ای که در بورس عرضه می کنند تحت مدیریت بورس نیستند به عنوان مثال اگر فولاد مبارکه در بورس عرضه می کند تحت مدیریت بورس نیست بلکه این شرکت تحت مدیریت مجموعه خودش وزارت صنایع و سازمان توسعه و نوسازی صنایع و معادن آن جاست. لذا انتظار این را داشته باشد که شما همه موارد مربوط به فولاد مبارکه را از بورس انتظار داشته باشید این یک شبهه ای است که معمولاً به ذهن ها وارد می شود.

اما در خصوص معاملاتی که در بورس انجام می شود ما خودمان خدمت شما عرض کنم که وارد می شویم و هر موردی که باشد آن جا در مورد معاملات وظیفه داریم. اما در معاملاتی که در خارج از بورس عرضه می شود هیچ مسؤلیتی متوجه بورس نیست. بورس کالا پاسخگوی کشف قیمت کالایی است که در بورس عرضه می شود برای کالاهایی که در خارج از بورس عرضه می شود مسؤلیت کشف قیمت را ندارد. به همین خاطر ما تأکید داریم که مطابق ماده ۱۵ سبد حمایتی کالاها قاعداً باید در بورس عرضه شود که همه عرضه در مقابل تقاضا قرار بگیرد تا بهترین نرخ ممکن کشف شود. اما اقتصاد ما بر این است که با

مجموعه های مختلف بازرگانی، امر بازرگانی داخلی این موضوع بارها بحث شده با مجموعه های وزارت صنایع مطالب مطرح شده که نتیجه خوبی هم در برداشته است.

در صادرات نقش و بحث نداریم. روی بحث صادرات به هیچ وجه متولی از نظر ما بورس نیست چون بعداً انتظار دارند که شما باید جلوی صادرات را بگیرید. نباید اجازه بدهید صادرات شود در حالی که این اصلاً به بورس بر نمی گردد و قانون با برنامه چهارم مشخص کرده حتی اشاره کرده است هیچ مجموعه ای نمی تواند جلوی صادرات را بگیرد. حتی برای تنظیم بازار داخلی مگر در شرایط ویژه که در مورد آن دولت خود تصمیم می گیرد. معمولاً واحدهای تولیدی به دلیل کمبود نقدینگی که دارند و تأمین اعتبار کافی که از طرف سیستم بانکی کشور امکان دارد به دلیل شرایطی که دارند نتوانند انجام بدهند، اقدام به فروش کارمزدی می کنند.

این فروش کارمزدی اصلاً در داخل بورس نمی آید چون فروش کارمزدی کالا برای صاحب کالا است و صاحب کالا هم در قبال جنس کارمزدی را پرداخت می کند. این داخل بورس نمی آید و مطلب آخر بحثی در مورد معاملات سلف مطرح می شود. هیچ واحدی علاقه مند به فروش سلف نیست مگر به واسطه کمبود نقدینگی چرا، چون وقتی سلفی را عرضه می کنند مجبور است که به تبعیت از قیمت ها بالاخره نرخش را پایین تر از قیمت روز آن موقع عرضه کند طبیعتاً اگر این کالا را به صورت نقدی بفروشد و بتواند از طریق سیستم بانکی اعتبار کسب کند به خودش اجازه فروش سلف را نخواهد داد.

مطلب بعدی منشأ قانونی است. بحث منشأ قانونی که برای بورس فلزات متصور است براساس ماده ۹۵ قانون برنامه سوم توسعه و بند ط از تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۸۰ کل کشور و ماده ۱۵ قانون برنامه چهارم است که تأکید می کند برای گسترش بازارهای تخصصی و بورس کالا که بورس فلزات هم براساس همین برنامه های دولت فعالیت خودش را انجام می دهد مطلب مهمی که تأکید می کنم تضمین هایی است که بورس فلزات نسبت به سایر بازارهای ارایه می کند در حال حاضر تضمین هایی که در بورس وجود دارد شامل سه نوع تضمین است.

- ۱- تضمینی که خریدار و فروشنده به کارگزار ارایه می کنند.
- ۲- تضمینی که کارگزار به اتاق پایاپای بورس فلزات ارایه می کند.
- ۳- تعهدی که اتاق پایاپای در مقابل خریداران و فروشندگان در زمان عدم تعهدات دارد؛ یعنی این تضمینی است علاوه بر موارد فوق.

در بورس فلزات به عنوان نمونه از یک تضمین دیگری بحث می شود که تضمین بانک بر روی آن است. معاملاتی که بصورت LC داخلی انجام می شود. تضمین بانک هم بر روی آن است و در کنار آن ۳ شرکت بین المللی معتبر نظیر SGS، ii، ytte خودشان به عنوان شرکت های بازدیدکننده بین المللی طرف قرارداد بورس هستند که این تضمینی است برای انجام معاملات. از طرفی دیگر در صورتی که موضوعی به شکایت اصل شود هیات داوری سازمان بورس اوراق بهادار را داریم که این هیات داوری نهایتاً در کوتاه ترین زمان رأی خودش را صادر می کند و نماینده مستقیم قوه قضائیه و نماینده سازمان بورس اوراق بهادار با توجه به قانون جدید در آن وجود دارد. لذا در کوتاه ترین مدت آن رأی که بخواهد و لازم باشد در کوتاه ترین مدت قابل اجراست. در حالی که شما اگر در سیستم عمومی شکایات وارد شوید می بینید که یک پرونده ممکن است ۱ سال یا

۲ سال یا یک هفته به نتیجه برسد. ولی این جا ممکن است یک هفته یا نهایتاً ظرف مدت یک ماه نتیجه گیری لازم انجام شود با توجه به این تضمین هایی که روی قراردادهای بورس وجود دارد آن اتفاقی که به صورت عموم در بازار می افتد که هر از چند گاهی کلاه برداران تجار، پول بازرگانان را برمی دارند از کشور فرار می کنند در بورس فلزات به هیچ وجه امکان وقوعش نیست. ما طبق آخرین آماری که طی ۴۰ ماهه عملکرد بورس تا تاریخ ۸۵/۱۰/۳۰ داریم تقریباً یک چیزی حدود ۱۸۰ شکایت واصل شده به بورس که از این ۱۸۰ شکایت بین ۲۰ تا ۲۸ شکایت آن فعال است هنوز از ۲۸ شکایت ۵ مورد آن به هیأت داورى ارجاع شده و مابقی هم در حال حل و فصل است به عبارتی نه یک کیلو از کالاهایی که سوخت شده در بورس و نه یک نفر پول خودش را بتواند ادعا کند که من دریافت نکردم. این بالاترین تضمینی است که نسبت به سایر بازارها دارد. خریداری که کالایش را خرید می کند نهایتاً باید ظرف مدت ۲۲ ساعت پولش را به اتاق پایاپای واریز کند در صورتی که واریز نکند از حساب تضمین آن ها برداشت می شود این خودش تضمینی است. لذا کسی نمی تواند نسبت به عدم واریز وجه اقدام کند. یعنی یک تضمین بزرگ که در سیستم اتاق پایاپای وجود دارد. در ادامه عملکرد بورس فلزات ارایه خواهد شد. طی دوره ۴۰ ماهه تعداد معاملات انجام شده در بورس قریب به ۳۴ هزار و ۶۰۳ قرارداد تا تاریخ ۸۵/۱۰/۳۰ بوده که از این مقدار ۱۲/۲۹۷ قرارداد فروش بوده و ۲۲/۳۰۶ قرارداد هم مربوط به خرید بوده است. کالاهای مورد معامله ای که در بورس فلزات وجود دارد ۳ فلز اصلی فولاد، مس و آلومینیوم بوده که در بخش فولاد شامل موارد زیر است:

اسلب فولادی، بولون و بیلت فولادی، انواع تسمه، انواع تیر آهن، ناودانی، نشی، انواع میلگرد، شمش فولادی، قراضه فولادی، ورق گرم و ورق سرد، ورق آج دار، ورق قلمی و ورق گالوانیزه این ها محصولاتی است که مورد پذیرش قرار گرفته است.

در بحث آلومینیوم، اسلب آلومینیومی، قطعه آلومینیومی، تیوارژ، شمش آلومینیومی، مفتول و محصولات آلیاژی و در مس اسلب مسی، بیلت مسی، مس کاتودی، مس کم عیار، مفتول مسی و ورق مسی و در روی، شمش روی، کاتود روی و کنسانتره فلزات گرانبها و کنسانتره مولیبدن است.

طبق آخرین آمار تا تاریخ ۸۵/۱۰/۳۰ از ابتدای فعالیت بورس تاکنون در حدود ۱۷/۴۵۰/۵۲۰ تن کالا اعم از فولاد، مس، آلومینیوم، روی، کنسانتره فلزات گرانبها، و موارد گفته شده در بورس مورد معامله قرار گرفته که در مقایسه با سایر بورس ها این رقم بسیار بالایی است و موفقیت محسوب می شود که این رقم از نظر ارزشی بالغ بر ۹۱/۸۴۰ میلیارد ریال است که تاکنون انجام شده که میزان شرکت هایی که در بورس پذیرفته شدند تاکنون ۶۷ شرکت داخلی و خارجی است به تفکیک ۴۴ شرکت فولادی که شامل ۱۲ شرکت ایرانی دولتی، ۱۱ شرکت ایرانی خصوصی و ۲۱ شرکت خارجی هستند، که این ها در بورس پذیرفته شدند. ۹ شرکت آلومینیومی که شامل ۳ شرکت ایرانی دولتی و ۳ شرکت ایرانی خصوصی و ۳ شرکت خارجی هستند، ۵ شرکت مسی که شامل ۲ شرکت ایرانی دولتی و ۳ شرکت ایرانی خصوصی می باشند و ۹ شرکت ایرانی خصوصی در خصوص روی هستند.

حجم واحدهای عرضه در بورس نسبت به کل بازار اول.

در حاضر در بحث محصولات فولادی در حدود ۵۹ درصد محصولات فولادی که در داخل تولید می شود در بورس عرضه می شود. طی این ۹ ماهه سال جاری در بحث آلومینیوم ۸۹ درصد این ها در بورس عرضه شده و در بحث مس تقریباً صد درصد آن در بورس عرضه گردیده است.

اقدامات و فعالیت های انجام شده در داخل بورس به این صورت است که انجام معاملات تطبیقی با بورس های کالایی سایر کشورهای دنیا از بورس های مختلف مطالعات تطبیقی آن انجام شده، از بورس های الگو بالاخره مواردی که از بورس ها می توان استخراج کرد که در بورس فلزات انجام شده، و در سایر بورس ها ممکن است انجام نشده باشد. حل مسایل تکنیکی در مورد تأخیرات زمانی حراج از چند نقطه مکانی باید به صورت هم زمان معامله انجام شود. الان از تالار اصفهان با تالار تهران هم زمان معاملات انجام شود. بعد از این که سیستم الکترونیکی راه بیفتد هر کس در هر نقطه کشور می تواند نسبت به انجام معامله اقدام کند. پذیرش L C های داخلی در معاملات، کاهش سقف زمان سلف در قبل از بورس، فروش هایی که شرکت های مختلف انجام می دادند بین ۷ تا ۸ ماهه تحویل می دادند اما الان سلف بیش از ۳ ماه نداریم. در داخل بورس حل مشکلات شرعی قراردادهای آتی که یک گروه تحقیقی است از سیستم شرعی نمودن بانک ها جناب آقای حاج عباس موسویان که خودشان بحث سیستم بانکی را به عهده دارند یک گروه مجزا چون ما یک محدودیتی که نسبت به سایر شرکت ها داریم در بحث معاملات آتی و اختیار بحث شرعی بودن آن هاست که این کارها انجام شده طی یکسال فعالیت مستمر این کار انجام شده است و ایجاد رینگ صادراتی و پذیرش کالاهای نظیر سیمان، پتروشیمی و کالاهای دیگر که ما هم اکنون تمام فعالیت های این مجموعه را انجام دادیم. یعنی الان برای شرکت های سیمان منتظر تصمیم دولت هستیم. بورس فلزات هم به عنوان مجوزی که از آخرین مجوزی که از شورای بورس گرفته به عنوان بورس فلزات و کالاهای صنعتی بود که بعد از آن قضیه، بحث سیمان هم در قالب همان شرکت قرار بود پذیرش شود که مراحل اولیه پذیرش انجام شده بود که اگر دولت اجازه دهد امکان عرضه آن در تالار بورس فلزات وجود دارد.

برنامه های آتی و در دست اقدام بورس فلزات ماجرای کامل ابزارهای مشتقه طی سه مرحله امکان پذیر نمودند که دکتر زنگی آبادی حتماً توضیحات کامل تری خواهند داد.

امکان پذیر نمودن معاملات سلف در قالب قراردادهای صلح که معاملات متحدالشکل سلف و صلح، اجرایی نمودن قراردادهای آتی، اجرایی نمودن امکان معاملات الکترونیکی و عملیاتی نمودن قانون جدید بازار اوراق بهادار، امکان سنجی راه اندازی رینگ دوم معاملات و مطالعات پذیرش کالاهای جدید نظیر بحث کاغذ و کالاهای دیگر. من فقط رقم آخرین معامله را باید اصلاح کنم. ۹۱/۸۴۰ هزار میلیارد ریال گفتم.

■ چراغی: ناظر تالار معاملات بورس فلزات تهران در رابطه با موضوعات مورد بحث سخنان خودشان را ارایه دهند. آقای دکتر، دکترای مدیریت بازرگانی از دانشگاه علوم و تحقیقات دارند.

■ زنگی آبادی: کسی موفق است که تعرفه را درست افزایش بدهد و درست کاهش دهد. کاهش تعرفه زمانی است که قیمت ها به شدت بالا

می رود تعرفه را کاهش می دهند تا کالا وارد شود و قیمت ها متعادل شود. افزایش تعرفه زمانی است که کالا به شدت ارزان می شود تولیدکننده های داخلی زیان متحمل می شوند تعرفه را افزایش می دهند تا جلوی زیان تولیدکننده های داخلی را بگیرند. ببینید ابزار چه ابزار محکمی است. به اصطلاح برندهای است. امیدواریم وزارت بازرگانی از این سلاحش به خوبی استفاده کند و از اطلاعات و شاخص هایی هم که بورس می دهد استفاده کند. حالا بورس فلزات، آقای یعقوبی و آقای برزنده از بورس های کالایی کامل گفتند. ولی این سوال مطرح است که آیا بورس ها تشکیل می شوند تا کالا بفروشند؟ واقعاً بورس ها در دنیا تشکیل می شود تا کالا بفروشند. خوب ذوب آهن برود بفروشد، مبار که برود اصلاً دلیلی ندارد که بورس تشکیل شود. بگوید ذوب آهن تو بیا کالایت را پیش من بفروش. اصلاً چون ذوب آهن، مبار که، شرکت مس می توانند کالا بفروشند پس چرا تشکیل می شود پس چرا بورس را به وجود می آورند. چرا آن قدر دعوا در تمام دنیا سر راه اندازی بورس کالا است. قبل از این که بپردازم به این بحث تنها خواهشم این است اگر ما دنبال بازارهای رقابتی هستیم و حرکت این بازارها را پذیرفتیم قواعد بازی را بپذیریم. این بازی یک قواعدی دارد یک قانون دارد شما نمی توانید بازار رقابتی را بپذیرید از آن طرف تعزیرات بگذارید هیچ معنایی ندارد بازار رقابتی کالا را می خرد شما جلوی انحصار و احتکار را باید بگیرید. برای تمام دنیا هم قانون وضع کردند. برای خودش قانون کامل و قوانین روز به روز پیشرفته تر است ولی بورس های کالا اگر کالا نمی فروشند پس چه کار کنند. در ۱۸۰ سال قبل یک اتفاق افتاد و جرقه این اتفاق در CBOT که بورس های شیکاگو تشکیل شد یک اتفاق آن جا افتاد. آنجا ذرت معامله می کردند، ذرت را می آوردند به شهر کشاورزها معامله می کردند. ذرت وقتی به شهر می رسید فصل برداشت بود. یک دفعه در خیابان ها تمام کامیون های ذرت پارک بود. خوب خریدار دیگر نمی خرید. نرخ می افتاد. تمام کشاورزان ضرر می کردند. هرکس می خواست بفروشد ولی هیچ کس خریدار نبود. البته این یک روایت است درست یا صحیح نمی دانم می گویند کشاورزی صحبت کرده بود با خریدارش که کامیون ذرتش را بار می زند می آید به شهر آن قدر ذرت فراوان بوده در آمریکا. شیکاگو که این خریدار منصرف می شود از خرید که هیچ تضمینی هم نبود. هیچ تعهدی هم نبود می گوید نمی خرم. او اسلحه اش را درمی آورد آن جا هم که شما می دانید همه اسلحه دارند آن قدر مشکل نیست. بالاخره تگزاس قدیم. اسلحه اش را درمی آورد و می گذارد روی پیشانی خریدار می گوید که تو دو تا تصمیم می توانی بگیری انتخاب با خودت است. یا این که بگویی کامیون را خالی کنم پول را بدهی بروم یا این که این اسلحه را. دیگر تصمیم سومی نیست. بطور قطع شاید آن هم گفته کامیون را خالی کن. ۸ نفر شاهد این جریان بودند که در یک بالاخانه ای. که درست این جمله همین است. در یک بالاخانه ای می نشینند و CBOT را پایه ریزی می کنند. بزرگ ترین بورس جهان. در حقیقت شیکاگو، هیأت بازرگانی شیکاگو، هیأت تجاری شیکاگو. خوب این ها را پایه ریزی می کنند بر چه اصولی حالا بر این اصولی که به آن ذرت فروشی بیابند بگویند ذرت را این جا بفروش به آن خریدار هم بگویند این جا بخر. اصلاً آمدند گفتند ذرت فروش تو که ذرت تولید می کنی کشاورز تو بیا قبل از این که برداشت کنی نرخ را این جا Hedge کن. حالا من اینجا سه کلمه را می گویم که بورس ها دایماً می گویند.

یعنی باید چنین بازاری فراهم کنیم. یک قرارداد سه ماهه بیند از الان قیمت ذرت را تمام کن، خریدار هم بیاید این جا بخرد. برای ۳ ماه دیگر که ذرت تولید و فراوان می شود فروخته و کشاورز نگران نمی باشد، خریدار هم می داند که ذرت هست، کار اصلی بورس ها مدیریت ریسک است خریدار و فروشنده در بورس مدیریت ریسکشان را انجام می دهند نه اینکه کالایشان را بفروشند.

مدیریت ریسک از طریق یک سری ابزارهای خاص هم هست، ابزارهای فیوچر آپشن. در شروع بورس ها در تمام دنیا که از فوروارد کانتراکت اما الان در بورس فلزات استفاده می کنیم سلف در شروع فوروارد کانتراکت شروع کردند ولی فوروارد کانتراکت به دلیلی که خریدار باید تمام پول را پرداخت می کرد بعد فروشنده و فروشنده در زمان مقرر کالایی را تحویل می داد نقدینگی بازار آن قدر نبود. نقدینگی خریداران نبود این قرارداد منسوخ شد در دنیا دیگر اصلاً رفت کنار، الان فوروارد کانتراکت ها بین دولت ها معامله می شود یعنی در قراردادها دولت ها دخالت می کنند. من به شما می گویم آن می گوید من نفتت را می خرم اگر فوروارد کانتراکت ها باشد یعنی آنقدر محکم نیست، مثل فیوچرها. قراردادهایش هم فوق العاده کلان است در نتیجه آمدند فوروارد کانتراکت را گذاشتند کنار. به شکل پیشرفته فیوچر را انتخاب کردند. یک درصد کمی از پول را بدهید، خریدار، فروشنده ما می گذاریم در یک اتاقی به نام اتاق پایاپای سر موقع هم شما تعهداتتان را انجام دهید. سپرده هایتان را پس می دهیم بروید. آیا این دیگر کافی بود؟ حالا من به راحتی می گویم شما می آید ۴۶۰ تومان میلگرد را می خرید ۵ درصد را هم (۲۳ تومان) می گذارید در اتاق پایاپای حالا میل گرد خرید می کنید. می شود ۳۰۰ تومان خوب دندان ۲۳ تومان را می کنید و می روید. پس این مشکل بود و هنوز هم وجود دارد. هرکس خیلی ضرر می کرد بیش تر از ۵ درصد، ۲ درصد، ۱ درصد راهش را می کشید می رفت می گفت خدا حافظ نمی خواهم مال خودتان. باز این جا بورس ها نمی توانستند آن تضمین را بدهند. آمدند من همیشه می گویم کسی که این شیوه را در بورس ها ابداع کرد مارک تو مارکت را ابداع کرد واقعاً باید جایزه اقتصادی نوبل را به او می دادند. شیوه ای در بورس ها به وجود آمد به نام مارک تو مارکت روزانه پس ما بحث را از اینجا شروع کردیم رسیدیم به اینکه دنیا چه کرده و رسیدیم به قراردادهای فیوچر. قرارداد فیوچر یک سپرده ای می گذاریم قرارداد ۳ ماهه ۶ ماهه حالا LME لندن. ۳، ۱۵، ۲۷ و ۶۰ ماهه را هم شروع کرده قراردادهای را می بندند با یک سپرده هایی در اتاق پایاپای می گذارند هیچ کس هم نمی داند از چه کسی خریده.

نکته اصلی فیوچرها این است من نمی دانم فروشنده ام کیست چون فروشنده ام سپرده ای گذاشته رفته فردا آقای X فروخته آقای Y خریده از بازار. رفته بیرون من فروشنده ام کس دیگری است پس من نمی شناسم در بازارهای آتی که کی فروشنده است که من خریدارم در نتیجه آمدند این وسط اتاق را درست کردند در مقابل کسی که خریدار است تو مسوولی تو فروشنده ای در مقابل آن فروشنده هم اتاق تو خریداری پس معاملات این طور یک شکل انسجام یافته یافت. و با مارکت تو مارکت کردن روزانه این سپرده را هر روز تعدیل کردند. یعنی چه؟ یعنی اگر دیروز من می خریدم ۴۶۰ تومان میلگرد، برای میلگرد ۲۳ تومان ۵ درصد سپرده گذاشتم. امروز میلگرد شده ۴۶۵ تومان، مرا صدا می زنند و می گفتند ۵ تومان بده می دادم

فروشنده را هم می‌گفتند ۵ تومان بده سپرده من می‌شد ۲۸ تومان مال خریدار هم می‌شد ۲۸ تومان. ولی این ۵ تومان مال من خریدار است. می‌توانستم بردارم چون سود بردم ۴۶۰ تومان خریدم و ۴۶۵ فروختم. پس این هر روز مارک تو مارکت می‌شود تا سر رسید، سر رسید هم این پول‌هایی که این وسط کفاف بازار را داده هیچکس نمی‌تواند دیفالت کند یا دیفالت باز کند. این پول‌ها را برمی‌دارند تعهدات را جبران می‌کنند. آیا باز این کفایت می‌کرد. واقعاً این نوسانات نرخ و بستن نرخ‌ها از آن‌ها عده‌ای متضرر می‌شدند. عده‌ای سود هنگفت می‌بردند در قراردادهای آتی. یعنی چه؟ یعنی من که ۴۶۰ خریدم یک قرارداد سه‌ماهه فروشنده‌ای که ۴۰۰ تومان یک دفعه‌ای می‌شد ۷۰۰، من یک سود معادل ۲۴۰ تومانی دیده‌ام و فروشنده اگر نمی‌فروخت، ۲۴۰ تومان سود می‌برد. آمدند ابزارهای دیگری اختراع کردند کنار این گذاشتند به نام آپشن‌ها. حالا اختیار خرید و اختیار فروش یک توضیح محصلی، دانشجویی شاید از زنده دادند. مثالی می‌زنیم. شما از جلوی تلویزیون فروشی جمهوری رد می‌شوید می‌گویید تلویزیون چند می‌گردد ۲۰۰ هزار تومان. می‌گویید داری؟ می‌گه ۱ ماه دیگر دارم. الان ندارم خیلی ساده یا شما پول ندارید هر دو. تا می‌گوییم خوب چکار کنیم؟ می‌گوید ۵ هزار تومان بده من یک ماه دیگر تلویزیون را به شما تحویل می‌دهم. شما یک اختیار خرید خریدید ۵ هزار تومان و او هم یک اختیار خرید فروخت یعنی یک کالا شما گرفتید و او یک کالا فروخت. این اختیار خرید در رابطه انگلیسی کالا می‌شود اختیار فروش. شما از مغازه بیرون می‌آیید ۱۵ روز می‌گذرد ۲۰ روز می‌گذرد نگاه می‌کنید می‌بینید تلویزیون ۲۰۰ هزار تومانی، بازار شده ۱۹۰، ۱۸۰، ۲۱۰، ۲۲۰ حالا می‌رسد به سر رسید. سر یک ماه شده شما وارد بازار می‌شوید می‌بینید همه این تلویزیون‌ها بازار رقابتی است دیگر همه دارند می‌دهند ۱۸۰ هزار شما این ۵ هزار تومان را پاره می‌کنید می‌ریزید دور. ۱۸۰ هزار تومان می‌خرید می‌روید. یعنی اختیارات را اعمال نمی‌کنی. فروشنده اجبار دارد. اگر تلویزیون شد ۲۲۰ هزار تومان من این قبض ۵ هزار تومانی دستم است می‌روم در مغازه می‌گویم این ۲۰۰ هزار تومان که من از شما خریدم به من تحویل بده. او موظف است تحویل دهد. فروشنده در اختیارها اجبار دارد. برای همین اسمش اختیار است. چون برای خریدار است برای دارنده است. اگر نخواستم تلویزیون ارزان شد این ۵ هزار تومان را از دست دادم می‌روم ۱۸۰ می‌خرم پس اختیارها را به وجود آوردند در کنار فیوچرها در دنیا روی فیوچرها اختیار معامله می‌کنند. حالا یک اتفاق بزرگ داشت می‌افتاد در دنیا در سال ۱۹۷۳ بود دیدند یک جای بازار لنگ است چه اتفاقی افتاد دیدند فیوچرهایی که دارند معامله می‌شوند من مثالی که زدم ۴۶۰ تومان در بازار ۳ ماه پیش خریدید باشد ۷۰۰ تومان در بازار نقدی هم باید ۷۰۰ باشد یک دفعه دیدند که در بازارها این اتفاق نمی‌افتد یعنی شما روز سر رسید، رسیدی، قرارداد ۳ ماهه بستید یک روز قبل دارید می‌خواهید قرارداد ببندید داری این قرارداد ۶۰۰ معامله می‌شود در بازار نقدی ۷۰۰ یک اختلاف نرخ ۱۰۰ تومانی هست یک روز هم قرارداد هست یک گروهی به نام آربیتراژ در این جریان وارد شد.

۳ گروه اصلاً در معاملات بازارهای فیوچر آپشن نقش دارند: اولی هجرها (hedgers)، دومی اسپکیولیترها (speculators)، سومی آربیتراژها.

من خیلی خلاصه عرض می‌کنم:

هجرها چه کسانی هستند؟ اصلاً هجر چیست؟ شما بارها می‌گویید هیچ کنیم. هر کس که با کالای فیزیکی سروکار دارد احتیاج دارد تولید کند یا احتیاج دارد بخرد یا مسوول است تولید کند یا نیاز دارد بخرد. این را می‌گویند هجر. ما هجر نفتیم. چون نفت تولید می‌کنیم. ژاپن هجر خریدار نفت است. حالا نفت کالایی است که همه می‌خواهند. هجر کسی است که کالای فیزیکی در نهایت به دستش برسد، اصلاً و مطلقاً به دنبال سود و زیان بازار نباشد. مثلاً ذوب آهن امروز میلگردی تولید می‌کند از این نرخ‌ها می‌ترسد نگاه می‌کند به بازار می‌بیند نرخ‌های ۳ ماه دیگر ۷۰۰ تومان است. می‌گوید برایم ۷۰۰ خیلی خوب است. زیان را پوشش می‌دهد. ۱۵ درصد سود می‌کنم. همه چیز وارد این بازار می‌شود یک قرارداد فیوچر می‌فروشد به عنوان فروشنده ۷۰۰. خریدارش هم می‌خرد. ذوب آهن مطلقاً دنبال سود و زیان بازار نیست. ذوب آهن دنبال آن ۷۰۰ است که برایش کفایت می‌کند. یعنی هزینه‌های تولید برایش پوشش داده می‌شود. بهای تمام شده پوشش داده شده یک سودی هم برده است. ۱۵ درصد برای خودش. اگر بشود ۱۰۰۰ می‌گوید نوش جانان نمی‌خواهم. اگر بشود ۵۰۰ می‌گوید دیگر فروخته نمی‌شود. حالا ذوب آهن که نمی‌خواهد من مصرف‌کننده هم که دنبال سود و زیان بازار نیستم من هم فرض کن خودم را مثال بزنم برج‌سازم. من هم میلگردی می‌خواهم خوب. من هم میلگردم باید سر ساختمان باشد. اگر نباشد ساختمان تعطیل می‌شود پس من نیاز به آن میلگرد دارم. من اصلاً پولش به دردم نمی‌خورد. من لحظه‌ای کار ساختمان را رها نمی‌کنم. خوب من آمدم یک قرارداد در این بازار بخرم. پس ذوب آهن که هجر تولیدکننده است من هم که هجر مصرف‌کننده هستم ما که هیچوقت به هم نمی‌رسیم اصلاً ما هیچ وقت هم دیگر را نمی‌بینیم.

یک گروه این وسط قرار گرفتند بنام اسپکیولیترها: این‌ها را می‌گویند سفته‌باز. شاید در لغت فارسی هم یک معنی می‌کنند سوداگر، سفته‌باز. اسپکیولیترها کارشان این است که به محض اینکه هجرهای تولیدکننده وارد بازار می‌شوند و می‌فروشند آن‌ها می‌خرند. یعنی آن‌ها دنبال سود و زیان هستند. یعنی گروه اول که ریسک‌گریزند، تولیدکننده و مصرف‌کننده، گروه دوم که ریسک‌پذیر است اسپکیولیتر آن‌ها می‌خرند به مصرف‌کننده می‌فروشند.

مثالی که قبلاً برایتان زدم آربیتراژها: در لغت به معنی دلال محلی شدن. دلال کارش چیست؟ خدمت می‌کند یا خیانت. در جامعه وقتی می‌گویند دلال همه می‌گویند آقای دلال‌ها خوردند، بردند. دلال در نظام اقتصاد دستوری به قصد خیانت محض می‌کند. دلال در نظام اقتصاد رقابتی خدمت محض محض می‌کند. ببینید چقدر اختلاف است. آربیتراژها به نرخ‌ها تعادل می‌دهند و نرخ‌ها را متعادل می‌کنند. یعنی فیوچر نقدی ۱۰۰ تومان اختلاف است یک مثال می‌زنم. الان پرتقال در شمال ۵۰۰ تومان است در میدان تهران ۱۰۰۰ تومان. بازار رقابتی است. دلال چکار می‌کند. ببینید چقدر خدمت می‌کند. گوشی را برمی‌دارد می‌گوید حاج آقا پرتقال چند است؟ می‌گوید ۵۰۰ در عین حال گوشی را هم برمی‌دارد به میدان می‌گوید چند می‌خرد؟ ۱۰۰۰. به شمالی می‌گوید چقدر دارید؟ می‌گوید یک تن. به میدان می‌گوید چقدر می‌خواهی؟ می‌گوید ۲ تن. می‌گوید یک تنش موجود است. ۵۰۰ خرید ۱۰۰۰ فروخت. آیا این خیانت است. شما نگاه کنید به آخر کار. دلال دوم به شمال زنگ می‌زند

سوم زنگ می‌زند و ... تقاضای زیاد می‌شود و قیمت می‌شود ۶۰۰ به محض اینکه ۶ دلالت به میدان زنگ زدند ۱۰۰۰ نمی‌خرد ۹۰۰ می‌خرد و این سازوکار ادامه پیدا می‌کند تا این که قیمت به ۷۰۰ می‌رسد قیمت میدان هم آمده ۷۳۰. فقط یک کرایه حمل باید. دلالت چکار کرده؟ تولیدکننده از ۵۰۰ قیمتش رسید به ۷۰۰ چه خدمت بزرگی در بازار رقابتی. از این طرف مصرف‌کننده ارزان خرید. در وزارت بازرگانی در کرمان یکی گفت: با این تعریفی که شما کردید، پس کار تعزیرات چه می‌شود؟ گفتیم: خوب شلاق هایتان را آویزان کنید و به شکوفایی اقتصاد لبخند بزنید. همیشه که نباید بگیرید، ببینید، بازار رقابتی خودش، خودانتظام است، خود مدیریت است، در نتیجه این ۳ بخش را هم تعریف کردیم. که در همه بورس‌ها بورس فلزات در آینده به دنبال قراردادهای فیوچر بورس فلزات لازمه راه‌اندازی فیوچرها یک بازار اثبات بود که ما ایجاد کردیم. بازارهای اثبات فوق‌العاده قوی.

بورس فولاد، در هند ۲ سال است که راه‌اندازی شده است. بعد از بورس ما راه افتاد. بازار اثبات ندارد و نگرانی هند هم از این که اثبات‌های نقدی بازارهای نقدی را ندارد ولی ما داریم. در آینده که فیوچر راه بیانندازیم مشکلی نیست. دبی دارد فولاد راه می‌اندازد. به طور قطع باید به بورس فلزات نگاه کند. در نتیجه قیمت‌های نقدی از بورس فلزات در آینده از منطقه بگیرد. پس بورس فلزات همان طور که آقای یعقوبی فرمودند سلف مجدد معامله کند. فیوچرها بیاید، زمانی که فیوچرها در بورس‌ها بیاید آن زمان سازوکار بازار فرق می‌کند. دیگر بگیر و ببیندها نیست. حال بازم فکر می‌کنم بهترین راهکار سؤال و جواب است.

■ چراغی: مهندس ترابی معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران حضور دارند و در زمینه مرتبط با فولاد با توجه به حضور عزیزان بورس کالایی فولاد صحبت‌هایشان را به صورت خلاصه بیان می‌کنند.

■ ترابی: من بنای این که تصدیع بدهم نداشتم اما به جهت احترام به پژوهش و پژوهشگر و مقوله علم بر خودم دیدم که چند دقیقه‌ای عرض ادب کنم.

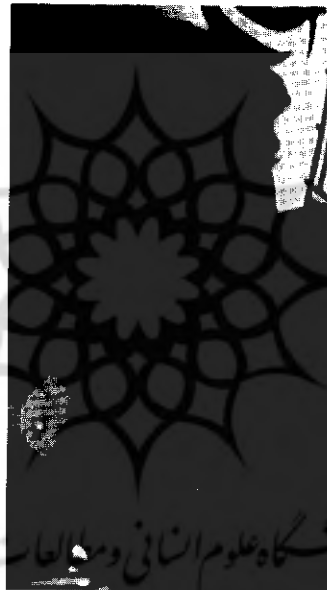
متأسفانه مشکلی که در کشورهایی نظیر کشور ما وجود دارد این است که گاهی تصمیم‌گیری‌هایی انجام می‌شود که مبتنی بر دید کارشناسی همه‌جانبه نیست.

اطلاعاتی عرض می‌کنم که اصلاً بدانید فولاد چیست و ما باید چه بازار و مقوله‌ای را تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی کنیم. بازار فولاد ایران در حال حاضر چند مؤلفه ویژه دارد.

مؤلفه اول ما با سابقه ۴۰ ساله، ۱۰ میلیون تن فولاد خام تولید کنیم. ۵ میلیون تن واردات محصولات داریم، ۲ تا ۲/۵ تن واردات شمش داریم و ۲/۵ میلیون تن انواع فولاد خام و محصول را هم صادر می‌کنیم. یعنی این که یک بازار ۱۰ میلیون تنی فولاد خام داریم که این بازار باید حداقل ۱۵

میلیون تن مواد اولیه شارژ کارخانه‌ها شود تا ۱۰ میلیون تن خروجی مواد اولیه فولاد خام داشته باشد و علاوه بر این ظرفیت فعلی ۱۲/۵ میلیون تن نورد، در کشور داریم که از سال ۱۳۸۰ به بعد بخش خصوصی به صورت بسیار گسترده، ویژه و پرشتاب در صنعت فولاد مخصوصاً نورد وارد شده است و از ۸۱ میلیون تن مجوزی که گرفته، بیش‌تر از ۲۵ تن آن را در مراحل مختلف اجرا قرار داده و الان صرفاً بخش خصوصی ۶ میلیون تن ظرفیت نوردی حاضر و آماده به کار دارد.

بورس فلزات باید بورسی باشد که بتواند این مجموعه را پوشش دهد. برای تصمیم‌گیری مخصوصاً در رابطه با تنظیم بازار احداث بورس فلزات گام بسیار بلندی است. در این قضیه در سال‌های ۷۸-۷۹ و اوایل ۸۰ مهم‌ترین معضل صنعت فولاد و اصلی‌ترین دلیلی که در برنامه سوم که براساس برنامه دولت باید به ۱۴/۷ میلیون تن فولاد می‌رسید الان قریب ۱۰ میلیون تن است و حدود ۵ میلیون تن عقب هستیم. و علت‌العلل عقب‌ماندگی هم هست و چیزی غیر از این نیست. این که به کارخانه‌ها می‌گفتند شما هر چه تولید می‌کنید به قیمت مصوب تولید کنید و دستوری که ما می‌دهیم بفروشید، این باعث شد که دو تا فاصله ایجاد شود یک فاصله این بود که کارخانه‌ها کارخانه‌های بزرگ، با ارزش، خوب مثل ذوب آهن، فولاد مبارکه با زیان مواجه شود. زیان کجا می‌رفت به جیب چند ده تا حداکثر افرادی که سرمایه‌های افسانه‌ای به دست آوردند. بورس فلزات خدمت بسیار بزرگی که به صنعت فولاد کشور و اقتصاد کشور کرد این بود که این انبوه سود و انبوه تفاوت بین قیمت مصوب مثلاً ۱۶۹ تومان ذوب آهن تا مثلاً ۳۱۰-۳۲۰ تومان بازار آزاد تهران را آورد در کارخانه و الان در این چند سال است که کارخانه‌ها توانستند یک جانی بگیرند و طرح‌های توسعه‌ای‌شان را اجرا کنند و یک مدت از آن نفس‌گیری قبلیشان بیابند بیرون و در این سال‌هاست که بخش خصوصی هم آمده خودی نشان داده است. چون بخش خصوصی اصلاً نمی‌تواند در بازاری که دستوری است حیاتی داشته



باشد.

اگر بخواهیم بر مسأله تنظیم بازار و فولاد نظر دقیق و کنجکاوانه داشته باشیم، باید به چند مسأله غیر از بورس فلزات توجه کنیم. یعنی واردات، صادرات، مواد اولیه و بازار داخل و همه این موارد را هماهنگ کنیم. مثلاً اگر ۶۰ درصد تولید کارخانه‌های دولتی که در بورس عرضه شده است بقیه هم مچینگ خود بورس بوده است. مخصوصاً بار فولاد مبارکه و بقیه هم در ردیف، و براساس قیمت پایه بورس فلزات فروش رفته است. یعنی بورس فلزات مبنای قیمتی به اصطلاح بازار فولاد کشور است این یک مسأله دیگر در بحث تنظیم، بحث تیر آهن است که در مورد آن ما یک کار کارشناسی خوبی انجام دادیم و به مقامات هم عرض کردیم که زوایای تخصصی زیادی دارد.

یکی از وزارتخانه‌ها برنامه‌ای داد که نوشته است برای امور عمرانی ۴ میلیون تن مقاطع می‌خواهند که کارشناسان حساب کردند و گفتند ۴ میلیون تن را می‌خواهید چه کار. گفتیم به نظر خودتان این ۴ میلیون تن

که می‌خواهید مصرف کنید امسال محقق می‌شود. دو سه تا از وزارتخانه‌ها اول خرداد هزینه غیر کارشناسی آوردند و بازار را ملتهب کردند و یکی از علل گرانی تیر آهن هم همین بود.

اولین کاری که باید انجام دهیم در تیر آهن، تغییر الگوی مصرف است. یعنی این که در کشوری مثل ایران که زلزله خیز است مصرف تیر آهن باید منسوخ شود. مصرف تیر آهن در دنیا منسوخ شده و به تبع آن تولیدش هم کم شده است. در ایران بیش تر از دو کارخانه برای تولید فولاد نداریم و دو کارخانه هم تیر آهن تولید می‌کند.

در سال ۸۳ و ۸۴، ۲۵ کارخانه نورد در کشور در بخش خصوصی درست شد که ۲۳ تا از آن‌ها میلگرد تولید می‌کند. اصلاً عمران و ساخت و ساز هم تأکید بر استفاده از میلگرد دارد و باید استفاده از آن جایگزین تیر آهن گردد و باید فرهنگ سازی انجام شود. مثلاً وزارت آموزش و پرورش برای نوسازی و بهسازی مدارس، شهرداری برای بازسازی بافت‌های فرسوده، وزارت مسکن و شهرسازی برای کارهای عمرانی و ساختمانی از میلگرد استفاده کنند و بار فشار بدین گونه از تیر آهن برداشته شود.

بیش تر چیزهای که در سال جاری قیمت تیر آهن را ملتهب کرد و تا ۱۰۰۰ تومان برد فشار واقعی بازار نبود، فشار روانی بازار بود. پس اولاً خودمان نباید بازار را ملتهب کنیم و ثانیاً الگوی مصرف را تغییر دهیم و اجازه دهیم که کار تولید و مصرف خود به خود هماهنگ شود. اگر بخواهیم بازار را تنظیم کنیم باید عرضه را مازاد کنیم و بعد تقاضا.

در کشور ما، در سال جاری مشکلی در رابطه با ورق نداشتیم چون بیش تر از نیاز تولید می‌کنیم. چین صنایع دنیا را هدف گیری کرده است و دارد نابود می‌کند. از سرامیک کف، مبل، صندلی، کفش، پوشاک، نساجی، عینک، کامپیوتر و هر چیزی که بخواهید صنعت چین با محصولات فاقد کیفیت خود هدف گیری کرده است. امانه صنعت فولاد ما را.

در کشورهای اتحادیه اروپا مثل ترکیه، کره، ژاپن سدهای متعددی برای حفاظت از صنعت فولاد وجود دارد. یکی از آن سدها تعرفه است. به دست آوردن بازار صادراتی ۲/۵ میلیون تنی بسیار سخت است. بیش تر از یک میلیون تن از صادرات ۲/۵ تنی فولاد ایران به اتحادیه اروپا انجام می‌شود. یعنی بار تولیدی ما تماماً دو ویژگی دارد:

- ۱- کیفیتی که اتحادیه اروپا آن را تأیید کرده است.
 - ۲- قیمت قابل رقابت
- یعنی ما در تولید فولاد در دنیا مزیت داریم و این مزیت ما را انجمن بین‌المللی آهن و فولاد... تأیید کرده است و باید با سرمایه‌گذاری، کشور را به سمت تولید و اشتغال سوق داد. ۳ مزیت در کشور ما وجود دارد:
- ۱- حداقل ۴ میلیارد تن ذخایر زمین شناسی سنگ آهن است
 - ۲- نزدیک به ۱۷ درصد گاز دنیا (بعد از روسیه دومین کشور دارنده گاز هستیم)

۳- نیروی انسانی جوان، تحصیل کرده و متخصص در صنعت فولاد پس باید این سرمایه‌گذاری‌ها را به سمت تولید سوق داد.

بهترین کار در هنگام تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی، مشورت است. ۵ سال است که در ایران انجمن تولیدکنندگان فولاد وجود دارد و تنها انجمن صنفی تولیدکنندگان است. انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران را به وجود آوردیم که تنها انجمن صنفی تولیدکنندگان است و تمام تولیدکنندگان دولتی و خصوصی هم عضو آن هستند. هیأت مدیره آن ۵ نفر است که این

۵ نفر مدیر تقریباً ۷۰ درصد صنعت فولاد کشور را در دست دارند. مدیرعامل فولاد مبارکه، مدیرعامل ذوب آهن اصفهان، مدیرعامل فولاد کویان، مدیرعامل ذوب آهن اردبیل و مدیرعامل فولاد الیگودرز اعضای هیأت مدیره هستند.

مستمعین

اگر ما بتوانیم الگوی مصرف را تغییر دهیم و از میلگرد استفاده کنیم مشکل دیگری به عنوان تقاضای سیمان پیش می‌آید که نمی‌خواهیم با حل یک مشکل، مشکل جدیدی ایجاد نماییم.

موضوع تنظیم بازار، بورس فلزات و مهم‌ترین کالایی که در بورس فلزات است، فولاد است که از موضوعات مربوطه است. بورس کالا با یک کالای خاص تفاوت دارد.

■ **تراپی:** مادر بورس‌های کالا بیش تر از دو بورس فعال نداریم، بورس کشاورزی و فلزات که از بین این دو بورس فلزات فعال تر است. بیش تر از ۹۰ درصد حجم مالی و معاملاتی انجام شده مربوط به فولاد است که این یکی از ظرفیت‌های بسیار بزرگ صنعت فولاد است. صنعت فولاد دو سه ظرفیت دارد: یکی ظرفیت اشتغال زایی بسیار گسترده و بعدی ظرفیت صادراتی.

اگر با انجمن سیمان تماس بگیرید قریب به ۳۵ کارخانه سیمان سازی در شرف افتتاح داریم یعنی در بحث سیمان به زودی به خودکفایی می‌رسیم و تأمین آن مشکلی برای کشور ندارد. چون تهیه سیمان توزیع جهانی دارد، راحت تر از واردات تیر آهن است که تولید جهانی ندارد. حتی شمش تیر آهن هم تولید جهانی زیادی ندارد.

پرسش و پاسخ

سوال: چرا بورس فلزات فاقد انبار کالا جهت اطمینان خریدار است؟
آقای دکتر زنگی آبادی LME که بزرگ‌ترین بورس در فلزات است حتی یک انبار ندارد و از ۴۲۳ انبار بخش خصوصی استفاده می‌کند. بزرگ‌ترین انباردارهای LME هنری بکس است که انبارهایی مطابق با استانداردهایی که LME می‌خواهد می‌سازد. بعد از آن رجیستر می‌شوند و LME آن‌ها را پذیرش می‌کند بعد سیستمی به آن‌ها ارایه می‌دهد و حق انبارداری را خود LME به عهده می‌گیرد. LME فقط ناظر است، انبارداری نمی‌کند، انبار هم ندارد. در نتیجه سوآلی که شد:

اولاً: عمده محصولات مادر بورس فلزات سلف است چون نیاز به انبار در شروع نبود.

ثانیاً: ما انبار را آوردیم رجیستر کنیم. هر انباری که خصوصیاتش بخواند با آن بورس فلزات رجیستر می‌کند و تحت امر خود قرار می‌دهد یعنی فقط کالایی که در مالکیت خریدار، فروشنده معامله می‌کند آن جاست و قبض انبارش معامله می‌شود و نیازی به انبار نیست فقط انبار را رجیستر می‌کنیم. خودمان نباید وارد انبارداری شویم این اولین اصل است.

□ در حوزه ایجاد الزامات قانونی به منظور عرضه کلی محصولات در بازار داخلی و حضور تولیدکنندگان خارجی در بورس فلزات چه اقداماتی انجام گرفته؟

■ یعقوبی: همان طور که گفته شد اعتقاد بورس فلزات بر این است که طبق ماده ۱۵ نظام سید حمایتی، هریک از کالاهای مشمول این مصوبه که پس از ایجاد و راه اندازی بورس کالا در زمره کالاهای بورسی قرار گیرد، از زمان موکد آن از ضوابط قیمت گذاری خارج می شود. پس یک سری از کالاها وجود دارد که مشمول ضوابط است.

در معاونت توسعه بازرگانی داخلی در سازمان حمایت با مجموعه های مختلفی در ریاست جمهوری مطالب مطرح شده است و تفسیرهای متعددی در ماده ۱۵ سید حمایتی شده است که به جهت رفع آن موانع موجود بر اساس تبصره ۳۵ بودجه ۸۰ تکلیف عرضه به عهده وزارت صنایع گذاشته شده است و هماهنگی های لازم با وزارت صنایع انجام شده که نسبت به عرضه محصولات خود، شرکت های تحت پوشش در بورس این کار را انجام دهند که در این رابطه جلساتی هم به صورت ماهانه برگزار می شود. روند عملکردی شرکت های تحت پوشش آن ها هم منعکس می شود.

آن چه مسلم است بخش خصوصی مختار است که در داخل بورس عرضه کند یا نه. بخشی هم به صورت کارمزدی وجود دارد که نمی توان آن را الزام کرد. یک بخش صادرات است که نمی توان الزام کرد که در داخل بورس انجام شود. تأکید ما بر این است که اگر می گوئیم کالایی در بورس عرضه شود به خاطر این است که هر چه میزان عرضه در مقابل تقاضا افزایش پیدا کند کشف نرخ، واقعی تر است و بهتر خواهد شد. مطلب دوم که پرسیدند جهت حضور بخش خارجی در بورس چه تمهیداتی طراحی و پیاده شده است؟

طبق آمارهایی که ارائه شد تعداد شرکت های خارجی پذیرش شده در داخل بورس ۲۷ شرکت است. هم اکنون شرکت هایی از کشورهای روسیه، چین، اکراین و قزاقستان در بحث فولاد هستند. در خصوص عرضه شرکت های بخش خصوصی یک سری محدودیت هایی وجود دارد. شرکت های داخلی مایک پذیرش کلی دارد. کالایی که در خارج کشور وجود دارد برای عرضه باید حتماً وارد شود. اگر کالا بخواهد پذیرش شود باید تضمین خاصی انجام شود تا امنیت برای خریدار به وجود آید. لذا برای کشورهای خارجی حاضر در بورس ضوابط بیش تر از شرکت های داخلی وجود دارد که با تمهیداتی که انجام شده تضمین هایی که بانک با هماهنگی با بانک های مختلف انجام می شود، تضمین هایی که بانک ها بر روی معاملات آن ها دارند، تعداد شرکت های خارجی که در بورس پذیرش شدند به شدت افزایش یافته است. در چند ماه اخیر حدود ۵ الی ۶ شرکت جدید وارد بورس شدند. بخش خصوصی هم به خاطر همان بحث امنیت و تضمین معاملاتی وارد شد و در حال عرضه هستند و تضمین های لازم را نزد بورس می گذارند چون بخش خصوصی هم که به بازار جنس می دهد امکان دارد که پول شرکت را ندهند یا شرایطی داشته باشد یا بدهی های شرکت طولانی مدت شود. اما در بورس وقتی فروش سلف ۳ ماهه ای انجام شود طبق همان سلف ۳ ماهه پول آن اخذ شده و به فروشنده هم تحویل داده می شود.

□ نحوه اعمال سیاست های دولت از طریق بورس چگونه است و چگونه می توان بازار میوه و تره بار را وارد بورس محصولات کشاورزی کرد؟ و طرح خرید و ذخیره سازی سیب و مرکبات در ایام نوروز را سامان دهی نمود تا فشار کمتری به منابع ارزی وارد شود چون هر سال ظاهر آزر آن محل تأمین می شود؟

■ برزنده: همان طور که می دانید اگر دولت بتواند اثرگذاری خود را بیش تر کند باید در حوزه بورس پیشنهادهای آرایه کرد. رویکرد بین المللی بهترین رویکردی است که برای بورس کشاورزی می توان متصور بود. در شرایط فعلی غیر از صوری کردن معامله کار دیگری نمی توان کرد. اگر بتوانیم روی خرما و پسته و زعفران و خوراکی دام و طیوری که وارد می کنیم، ذرت یا محصولاتی که بورسی هستند و می توانند از کشور خارج شوند سرمایه گذاری کنیم نتیجه بهتری می گیریم. به عنوان مثال زعفران که به صورت فله ای از کشور خارج می شود در اسپانیا بسته بندی شده و صادر می شود! اگر دولت از بورس حمایت کند و موارد گمرکی حل شود و با تأییدیه بورس زعفران از کشور خارج شود یعنی در بورس قیمت بخورد، کشاورزی که تولیدکننده است منتفع می شود. زعفرانی که به عنوان مثال ۲۷۰۰۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان کیلویی از کشاورز به صورت فله ای در گونی خریداری می شود در آن جا به صورت کیلویی ۳۵۰۰ دلار یعنی ارزشی ۱۰ برابر و شاید هم بیش تر قیمت می خورد.

در ارتباط با این که آیا بازار میوه و تره بار را می شود وارد بورس کرد یا نه؟ تجربه ایتالیا نشان داده که مثلاً برای ترشیجات یا در بعضی کشورها برای لبنیات، چون کالای بورس باید تعریف خاصی داشته باشد، این موارد را نمی توان وارد بورس کرد و وارد لایه دیگری می شود که به آن بروکر شوز (Broker shows) می گویند. مثلاً ایتالیا بحث ترشی و مربا را در مکان دیگری بروکر شوز معامله می کند یا در هلند گل و گیاه در چنین مکانی معامله می شود که از سازوکارهای بورس استفاده می کند. منتهی همه آن تعریف ها بر این سیستم پیاده نمی شود.

در ارتباط با این که مهم ترین چالش بورس جهت اصلاح ساختار مبادلات کشاورزی چیست، قرار نیست تمام محصولاتی که بورسی می شود داخل بورس بیاید. با تصمیماتی که کم کم گرفته می شود کمیسیون اوراق بهادار شورای عالی بورس را تعریف کرد و این بورس ها زیر نظر آن تعریف شده به دنبال رویکرد مالی بورس هستند و وقتی برای بورس ها رویکرد مالی متصور شویم مقداری از تعاریف و تصمیم ها تغییر خواهد کرد. اگر معاملات نقدی باشد و به صورت کش انجام شود شاید بتوان در بحث تنظیم بازار اثر گذارتر باشد. وقتی معاملات به سمت اوراق مالی پیش رود کشف قیمت اثر گذارتر خواهد بود.

در ارتباط با این که فرآیند قیمت گذاری چیست؟ تحقیقی نوشته شده که تا چند روز دیگر آماده می شود.

ارتباط موضوع جلسه و مسایل بحث شده چیست؟ امیدوار بودیم تأثیر بورس به خصوص بورس محصولات کشاورزی بر تنظیم محصولات کشاورزی بحث را تجزیه و تحلیل کنید و آرایه شود که متأسفانه انجام نشده. بخش اعظم صحبت های آقای برزنده مربوط به بورس کالاهای کشاورزی بود. متأسفانه علی رغم این که قرار بود در زمینه بورس کالاهای کشاورزی صحبت کنیم نماینده آن تشریف نیاوردند و بحث بیش تر روی بورس فلزات تمرکز داشت.

□ آیا استفاده از بورس کالا را مداخله در بازار و مداخله در بازار را منطقی می دانید؟ آیا سازوکارهای بورس کالا به گونه ای است که بتوان چنین کارکردی را از آن انتظار داشت؟

دلایل افزایش قیمت‌های جهانی وابستگی شدید فلزات و صنایع ذوب به قیمت انرژی که منجر به افزایش قیمت مواد اولیه در خارج شده بود یعنی مواد اولیه خارج که قیمتش افزایش پیدا می‌کند طبیعتاً در مجموعه بخش خصوصی که اکثر بخش نورد ما هستند نیاز مواد اولیه از محل واردات است. لذا طبیعتاً این بر نرخش تأثیر می‌گذارد افزایش مصارف توسعه کشورهای نفت خیز به خصوص خاورمیانه ناشی از درآمدهای اضافی نفت همین که قیمت نفت افزایش پیدا کرد مصارف توسعه‌ای، بحث‌های عمرانی که در منطقه اتفاق افتاد منجر به ایجاد تقاضا شد که این تقاضا باعث شد تقریباً یک کسری و کمبودی در برخی از محصولات احساس شود در سطح منطقه و مصارف و تقاضای بالای دو کشور در حال توسعه چین و هند، بالا رفتن نرخ بهره بازارهای جهانی، این‌ها تأثیراتی است که واقعاً وجود دارد.

رشد مدام اقتصاد جهانی به بالای ۴ درصد طی ۴ سال گذشته، تبدیل دارایی‌های نقدی به دارایی‌های فیزیکی توسط صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بازنشستگی به دلیل ترس از کاهش قیمت دلار و عملیات سوداگرانه، بحث‌های داخلی آن هم به این صورت بود که افزایش شدید قیمت‌های فولاد خام وارداتی در بازارهای جهانی که تأثیر مستقیم روی قیمت تمام شده گذاشته بود، افزایش شدید مصارف سرمایه‌گذاری دولتی در بودجه عمرانی که ما وقتی بودجه عمرانی مان را افزایش دهیم این خود باعث می‌شود اولین نیازی هم که پروژه‌های عمرانی ما دارند به کالاهایی نظیر فولاد و سیمان است، در حالی که عرضه ما نهایتاً ۱ به ۱۲ است یعنی بخشی از آن را باید پیش بینی کنیم که از محل واردات تأمین کنیم. پیش بینی هزینه بازسازی بافت‌های فرسوده و نقاط زلزله زده که تأثیری بر افزایش قیمت مصارف ناشی از توزیع گسترده وام‌های مسکن، وام‌های مسکن خود تأثیرش را با تقاضای بازار سیمان و فولاد گذاشت و موارد دیگر.



■ **زنگی آبادی:** ابتدا از خبرنگاران تقاضای امانت‌داری دارم. کاستی‌ها را بنویسید. از نقد نمی‌ترسیم و از آن استقبال می‌کنیم. بورس فلزات از نقد استقبال می‌کند.

این که بورس کالا مداخله در کالا را به وجود نمی‌آورد. چون بورس‌ها به وجود نمی‌آیند که کالا را بفروشند. نیاز بازار بود که از این مرحله گذر کنیم. ما ناچار بودیم از اقتصاد دستوری بسته، از یک اقتصاد با نرخ مصوب کالاها گذر نماییم. یعنی این که اول بازار را باید باز می‌کردیم. دو راهکار وجود داشت: یا این که ذوب آهن بیاید بفروشد، حالا به چه کسی بفروشد سؤال مطرح بود مبارکه بفروشد به چه کسی بفروشد خوب هر کس دو دفعه وابسته به مراکز قدرت می‌شد رانت ایجاد می‌شد. می‌رفت می‌خرید و مشکل به وجود می‌آمد. در نتیجه شما بازار شفاف ابداع کردید و بورس‌های کالا شروع به کار کردند. همین طور بازار شفاف هیچ کس منعی برای خرید و فروش ندارد. هیچکس منعی ندارد. هر کسی می‌تواند بخرد فتوکپی شناسنامه زمان خرید از هیچ کس خواسته نمی‌شود. وقتی معامله کرد مشخصاتش را می‌گیرند که بتوانند کارهایش را انجام دهند و کالایش را تحویل دهند.

وقتی می‌رسد به بازار زعفران، زعفران ارزان می‌شود کلی ضرر می‌کند هزینه‌هایش هم پوشش نمی‌دهد ورشکست می‌شود. خریدار می‌خرد می‌گذارد در انبار و مشکل دیگری پیش می‌آید قیمت‌ها می‌شکند و او هم ورشکست می‌شود. پس در نتیجه بحث سر این قیمت است که بتوانند مدیریت ریسک کنند در بورس نیاز به مداخله نیست. در بازار اگر هم بود به چه شکلی بود.

■ **یعقوبی:** از دوستان تقاضا دارم بورس کالا را در تقابل با تنظیم بازار ببینند. در تقابل با مجموعه بازرگانی ببینند. بورس در کنار بازرگانی است. یعنی ما می‌توانیم کمک خوبی باشیم برای مجموعه بازرگانی و مجموعه بازرگانی هم می‌تواند بهترین تصمیم‌ها را از شاخص‌های ما بگیرد. اگر افزایش قیمتی اتفاق می‌افتد باید نشان داد و علل و عواملش را مشخص کرد.

در ۱۵ اردیبهشت ۸۵ یک پیش‌بینی از وضعیت بازار محصولات فولادی به وزارت صنایع، مجموعه‌های مختلف دولت و مجموعه‌های بازرگانی ارائه شد و پیش‌بینی شد که به دلیل اتفاقاتی که می‌افتد روند قیمت‌ها تا ۳ ماهه اول سال گذشته براساس نمودارهایی که موجود است مشخص می‌کرد که تا ۳ ماه آخر سال گذشته تقریباً از ابتدای بورس در حالت تثبیت بود که این موفقیت بزرگی است برای بورس. در اصل در طول دو سال و نیم تقریباً روند روندها نسبتاً ثابتی بود با شاخص‌های بسیار اندک. اما بعد از این اتفاقی که افتاد روند یک مقدار شروع به افزایش قیمت کرد. شاخص‌های ما و خیلی از موضوعات ما نشان داد که این افزایش قیمت دارد اتفاق می‌افتد. از طرفی دیگر این بحث را مطرح کردیم که علل و عواملش به این موارد است. که برخی از آن‌ها گفته می‌شود.

■ **چراغی:** موضوع بسیار گسترده است. مسایل و مشکلات در این حوزه زیاد است. مؤسسه هنوز در این زمینه طرح‌های زیادی انجام نداده است. در برنامه‌های آتی آن یکی از موضوعات مدنظر بحث بورس کالا و تنظیم بازار است.

از آقای دکتر برزنده، دکتر یعقوبی، دکتر زنگی آبادی و آقای ترابی و تمامی دوستانی که تشریف آوردند تشکر و قدردانی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. خرید یک ارز و فروش ارز دیگر در یک بازار می‌باشد که ارزشها به صورت جفتی معامله می‌شوند. مانند یورو به دلار (EUR/USD)

2. Derivatives

۳. اختیار داد و ستد قراردادهای آتی

۴. هیات تجاری شیکاگو

۵. بورس فلزات لندن